

نبرد خلق

محکومیت رژیم در
کمیته سوم مجمع
عمومی ملل متحد

کارگران همه کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

آمریکا کانادا ۱ دلار، آلمان ۲ مارک، فرانسه ۷ فرانک
NABARD - E - KHALGH No 174. 22 nov 1999

شماره ۱۷۴ دوره چهارم سال شانزدهم - اول آذر ۱۳۷۸
\$ 1, 2 DM, 7 F

یادداشت سیاسی

— مهدی سامع

دادگاه عبدالله نوری و هیاهویی که پیرامون آن به وجود آمد، فرصتی بود تا همگان بتوانند تصویر روشنی از دادگاههای عدل اسلامی، در نظام ولایت فقیه پیدا کنند. این دادگاه همچنین سیمای یکی از مدافعان سرسخت (شاید بتوان گفت مهمترین مدافع) جامعه مدنی، مداراگری و قانونگرایی تحت نظام ولایت فقیه را به صورت بسیار روشن نشان داد.

ابتدا به جنبه دوم توجه کنیم. عبدالله نوری که بدون شک مهمترین چهره سیاسی جنبه دوم خرداد است، در این دادگاه هرگز نتوانست و البته نخواست حرفی و نظری خارج از اندیشه های ارتجاعی خمینی که پایه گذار و مبتکر رژیم جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه است بگوید. او در تمام حرفهای خود به منفورترین فرد در تاریخ یک صد سال اخیر میهن ما، یعنی خمینی استناد می کرد و با حسابگریهای خاص خود فقط در جنبه های خاصی (عملاً در زمینه سیاست خارجی) با سیاست جاری رژیم زاویه می گرفت.

عبدالله نوری حتی نتوانست نقش یک لیبرال - اسلامی آیکی را بازی کند. او با وسواس و دقت بی نظیری سعی کرد خود را یکی از مریدان پر و پا قرص خمینی معرفی کند و حتی یک کلمه در مخالفت با رژیم جمهوری استبدادی و مذهبی بی که خمینی آن را بنا نهاد حرفی نزد عبدالله نوری یکی از کارگزاران سیاسی و نظامی همین نظام است. او چه به طور مستقیم، در مسئولیتهایی که در عرصه سیاسی و نظامی داشته و چه به طور غیر مستقیم به عنوان یکی از کسانی که در گذشته در سازماندهی باندهای سیاه حزب الهی نقش داشته، در جنایتهای این رژیم شریک و سهیم است. او اگر این توانایی اخلاقی و انسانی را داشت که حقایق روشن و آشکار جنایتهای بیست ساله رژیم جمهوری اسلامی را تاب آورد و اگر این شهامت را داشت که بر مشارکت خود در این جنایتها اعتراف کند، هیچ فرصتی بهتر از امروز در صحنه این بی دادگاه گذازی پیدا نمی کرد. او نه زیر شکنجه های وحشیانه مزدوران وزارت اطلاعات قرار داشت و نه مجبور بود در اقرارگاههایی که لاجوردی جلا در حسینیه اوین، پایه آن را گذاشت به گناهی اعتراف کند و یا در صحنه تلویزیون با زور حضور پیدا کرده و منکوب شده به ندامت بپردازد.

بقیه در صفحه ۲

اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار شد
شورای عالی سازمان گزارش سیاسی سخنگوی سازمان را به تصویب رساند.
شورای عالی سازمان به بررسی عملکرد بخشهای مختلف سازمان پرداخت و
کمیته مرکزی سازمان را انتخاب نمود.
در صفحه های ۹، ۱۰ و ۱۱

اطلاعیه —

روضه وحدت

صفحه ۳

تظاهرات جوانان در شیراز

روز دوشنبه ۱۷ آبان، پس از یک مسابقه فوتبال ۲۰ هزار نفر از جوانان شیراز با انجام یک تظاهرات خشم و نفرت خود را از رژیم حاکم بر ایران و مزدوران سرکوبگر آن ابراز داشتند.

مزدوران رژیم ولایت فقیه به شدیدترین وجه به مقابله با این تظاهرات پرداختند و متقابلاً مردم با به آتش کشیدن خودروهای نیروی انتظامی و مراکز سرکوب و ستم جمهوری اسلامی، به درگیری با نیروهای سرکوبگر رژیم پرداختند. در جریان این تظاهرات صدها نفر زخمی و دستگیر شدند. مقاومت ایران اسامی ۶۲ نفر از دستگیرشدگان و ۱۱ تن از مجروحان این تظاهرات را برای کمیته عالی حقوق بشر ملل متحد و سایر مراجع بین المللی مدافع حقوق بشر ارسال کرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن سرکوب تظاهرات جوانان شیراز، از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و سایر مراجع بین المللی مدافع حقوق بشر، خواستار اقدام عاجل برای نجات جان دستگیرشدگان این تظاهرات می باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۹ آبان ۱۳۷۸
۱۰ نوامبر ۱۹۹۹

یادداشت و گزارش

صفحه ۵ و ۶

اخبار سرکوب، کشتار و تروریسم

در صفحه ۳ و ۴

آینده نقش از زنان دارد

صفحه ۷ و ۸

مصاحبه با یک ایرانی

متقاضی پناهندگی در رابطه با

جنبش دانشجویی

صفحه ۱۱

دیدگاهها —

— نقد کتاب

— انتخابات اتریش و نازیسم جدید

— یک نامه

در صفحه ۱۲ و ۱۳

در گوشه و کنار جهان

صفحه ۱۴

سرگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن

هرچه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

بقیه از صفحه ۱

عبدالله نوری با وجود پوشش خبری گسترده ای که دادگشاش داشت و با توجه به حمایتی که در سطح بین المللی برای یک دادرسی عادلانه در باره او صورت گرفته. کلمه ای از جنایت‌های رژیم در مورد مردم ایران نگفت. او البته می دانسته که چه می کند و چرا با چنین شیوه ی حسابگرانه با محاکمه کنندگانش رویرو می شود. او نمی خواست اقدامی خارج از مصالح نظام انجام دهد و از این جهت تمام ادعاهایش برای دفاع از حقوق مردم ادعاهایی بیچ است

با این همه. همین عبدالله نوری با همه سوابق درخشانش در دفاع از رژیم ارتجاعی ولایت فقیه مثل خاری در چشم خامنه ای است و خامنه ای تصمیم گرفته که به هر صورت او را از طریق ابزارهایی که در اختیار دارد. از صحنه سیاسی (در درون نظام) حذف کند. به نظر نمی رسد خامنه ای قادر باشد هزینه ای از او بپردازد.

عبدالله نوری و تمامی آمران و عاملان جنایت‌های دوران رژیم جمهوری اسلامی. باید روزی در یک دادگاه علنی و عادلانه. در یک دادگاه عمومی و غیر شرعی. با برخورداری از حق دفاع و حق وکیل و بدون هرگونه شائبه و اعمال زور و براساس موازین بین المللی و میثاق حقوق بشر. نه به خاطر افکار و اندیشه های ارتجاعیشان. بلکه به خاطر اعمال ضد مردمی و سرکوبگرانه شان محاکمه شوند.

اما کسانی که عبدالله نوری را محاکمه کردند. یک بار دیگر نشان دادند که چیزی از محاکم تفتیش عقاید قرون وسطایی کم ندارند. محوری ترین مسأله ای که پیرامون آن عبدالله نوری را به محاکمه کشیدند. موضوع افکار وی و مقالاتی بوده که در نشریه خرداد به چاپ رسیده است. تمام مشت کوبیده‌ها و کف بر دهن آورندهای دادستان و رئیس دادگاه و تهدیدهای آنها برای چند مقاله و اظهار نظری بوده که در روزنامه خرداد چاپ شده است. روز ۲۰ آبان دادستانی ویژه دادگاه روحانیت با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که براساس نظر هیأت منصفه عبدالله نوری در ۱۵ مورد از اتهامات وارده مجرم و اکثریت این هیأت عبدالله نوری را مستحق تخفیف ندانسته اند. ۱۵ مورد اتهامی که مدیر مسئول روزنامه خرداد براساس رأی هیأت به اصطلاح منصفه مجرم شناخته می شود در این خلاصه می شود: نشر مطالب مخالف موازین

دینی و اهانت به مقدسات مذهبی. اهانت به رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی و مقابله با نظرات و دیدگاه‌های معظم له. نشر اکاذیب برای تشویش اذهان عمومی. توهین و افترا به مسئولان و دستگاه‌های وابسته به نظام. همان طور که ملاحظه می شود به جز مورد آخر. تمامی موارد دیگر اتهامات جنبه عقیده و بیان دارد. بنابراین به طور قطع می توان گفت که دادگاه عبدالله نوری. یک دادگاه تفتیش عقاید بوده و نه چیز دیگر. بیش از ۲۰ سال است که رژیم ولایت فقیه با استفاده از همین نوع دادگاه‌ها. به طور مخفیانه و بدون وجود وکیل و هیأت منصفه. دست به کشتارهای هولناک و صدور احکام وحشیانه زده است. تمامی آنچه ما از قرون وسطا در مورد دادگاه‌های تفتیش عقاید شنیده و خوانده ایم در کامل ترین شکل آن در دادگاه‌های نظام عدل اسلامی خمینی ساخته تکرار شده و می شود و این مایه ننگ بشریت در پایان قرن بیستم و پایان هزاره دوم است. ولی از این ننگین تر. دفاع افراد و احزاب کُتله بسین و فرصت طلبی است که تمامی این شکنجه ها کشیدند. خلق آویزکردن‌ها. سوزاندن‌ها. به زندان افکندن‌ها را با چشم باز دیده اند و هنوز به این یا آن جناح این نظام قرون وسطایی دل بسته اند.

.....

قرار است روز جمعه ۲۹ بهمن سال جاری. انتخابات ششمین دوره مجلس ارتجاع برگزار شود. نتیجه این به اصطلاح انتخابات برای تمامی باندها و دسته بندیهای درون حکومت بسیار مهم و از لحاظی تعیین کننده است. پیرامون این انتخابات از مدت‌ها قبل جناح‌های حکومتی به تدارک پرداخته و برای برتری یافتن از رقبا تلاشهای بی شماری را آغاز کرده اند. قبل از این که به گوشه ای از این تلاشها اشاره شود باید بگویم که انتخابات ششمین دوره مجلس ارتجاع. صرفنظر از این که کدام یک از باندها و جناحها در آن برتری یابند و با وجود تمامی هیاهوی فرصت طلبان و سازشکاران. یک انتخابات ضد دموکراتیک و اقدامی علیه مصالح و منافع عالیه مردم ایران است. این انتخابات یک انتخابات آزاد که تمامی افراد کشور صرفنظر از عقیده و گرایش سیاسی آنان بتوانند در آن شرکت کنند. نیست. در این انتخابات نیز اصل بر سرسپردگی به ول فقیه و نظام استبدادی - مذهبی حاکم است. شورای نگهبان حتی به غربال کاندیداهایی می پردازد که به ولایت فقیه و اسلام اعلام وفاداری و التزام خواهند داد. در این انتخابات حتی تمام کسانی که به ولایت خامنه

ای اظهار وفاداری و سرسپردگی اعلام می کنند نمی توانند شرکت کنند و بنابراین یک انتخابات ضد دموکراتیک بوده و تنها سیاست اصولی و مردمی در قبال آن تحریم کامل و فعال آن می باشد. این اولین نکته ایست که هر نیرویی که واقعا برای دموکراسی. کثرت گرایی. جدایی دین از دولت و حقوق بشر. مبارزه می کند باید به آن پایبند باشد. در غیر این صورت این ادعاها. فقط سوء استفاده از کلمات برای فریب مردم و تقویت نظام استبدادی و مذهبی حاکم بر کشور ماست. از این نکته اساسی و پایه ای که بگذریم. از آن جا که این انتخابات در شرایطی برگزار می شود که ولایت خامنه ای در چنبره ای از تضادها. چالشها و بن بست‌ها قرار دارد و از آن جا که اکثریت قاطع مردم ایران با صراحت خواستار برچیدن نظام ارتجاعی ولایت فقیه هستند. برای ارزیابی چشم انداز تحولات اهمیت پیدا می کند.

در این انتخابات جبهه ۲ خرداد که تاکنون ۱۸ گروه به آن پیوسته اند و معلوم نیست این صف بندی تا معرفی کاندیدها به همین شکل ادامه یابد. درصدد است تا اکثریت را از دست ائتلاف جامعه روحانیت مبارز. جمعیت مؤتلفه اسلامی و گروه‌های همسو با آن خارج کند. در این میان رفسنجانی که حزب طرفدار او یعنی حزب کارگزاران سازندگی در ائتلاف جبهه ۲ خرداد شرکت کرده. درصدد است تا نقش ویژه ای پیدا کند. بسیاری بر این عقیده اند که محاکمه عبدالله نوری با توافق ضمنی بخشی از جبهه ۲ خرداد و به ویژه شخص رفسنجانی صورت گرفته تا رفسنجانی بتواند به عنوان فردی که مورد توافق نسبی جناحها قرار دارد. به عنوان کنترل کننده اوضاع در رأس مجلس ارتجاع قرار گیرد. جمعیت مؤتلفه اسلامی در بررسی قانون جدید انتخابات یک امتیاز خاصی به رفسنجانی داد و طبق ماده قانونی که در مجلس فعلی تصویب نمود اعلام کرد که وی می تواند با حفظ سمت برای مجلس ششم کاندیدا شود. همچنین از نیز درصدد است تا از این گونه جلسات برگزار نمایند.

مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در روز ۲۲ آبان پیرامون چگونگی اعلام صلاحیت کاندیدها از طرف شورای نگهبان طرف جامعه روحانیت مبارز و بخشی از جامعه روحانیت مبارز و تلاشهایی برای کنترل اوضاع صورت می گیرد. این دو گروه که درصدد است تا نقش ویژه خود را حفظ کنند طی ماههای دو جلسه جلسات مشترک برگزار کردند و در آینده اعلام نمود که دلایل رد صلاحیت افرادی که در انتخابات شرکت می کنند باید طبق قانون و مستند به

دلایل و مدارک معتبر به آنان اعلام شود. (ایرنا - خبرگزاری رژیم. ۲۲ آبان). این تصمیم مجمع تشخیص مصلحت نظام یک امتیاز به جبهه ۲ خرداد است که می تواند در سرنوشت کاندیداهای این جبهه مؤثر باشد. در این کشاکش که بین باندها و دسته بندیهای درونی رژیم به وجود آمده. مسلما جناح خامنه ای. یعنی جامعه روحانیت مبارز. جمعیت مؤتلفه اسلامی و گروه‌های همسو با آن نمی توانند از طریق به اصطلاح قانونی و بر طبق روال معمولی اکثریت مجلس ششم را به دست آورند. پیش بینی می شود که همچون انتخابات شوراهای اسلامی بسیاری چهره های جدید و هنوز شکل نگرفته وارد مجلس شوند که به هر حال خامنه ای نمی تواند روی آنان حساب جدی باز کند. بنابراین در این انتخابات نیز مثل تمام رویدادهایی که پس از ۲ خرداد سال ۷۶ اتفاق افتاد. توپ در زمین خامنه ای قرار دارد و این اوست که باید برای جلوگیری از ریزش سرکردگی اش و اگر بتواند بازسازی کامل و تثبیت آن تاکتیک مناسب انتخاب کند. از آنجا که ولایت فقیه نمی تواند برنامه پذیرد به تبع آن مشارکت پذیر باشد. خامنه ای اگر اراده لازم را داشته باشد تنها نمی تواند برای اهداف خود به شیوه هایی متوسل شود که خمینی به آن در چنین مواردی متوسل می شد. اما در سیر تحولات در ۱۰ سال گذشته (پس از مرگ خمینی) و انباشت شدن تضادها و مهمتر و تعیین کننده تر از همه. برآمد توده ای مستقل از جناح‌های درونی حکومت که خواستار حکومتی غیر مذهبی. دموکراتیک و عدالتخواه هستند و به مثابه پایه اجتماعی مقاومت سازمان یافته عمل می کنند. خامنه ای را در تنگناهای بسیار قرار داده است. در حالی که باند خائنی و جبهه ۲ خرداد چیزی فراتر از مشارکت قانونمند در ولایت فقیه نمی خواهند و به علت همین سرسپردگی به ولایت خامنه ای نمی توانند به مثابه یک نیروی اصلاح طلب و یا رفرمیست. عمل کنند. پروسه انجام این نمایش انتخاباتی و نتیجه نهایی آن برای رژیم چیزی جز عمق یافتن بن بستش و وسعت یافتن بحرانهایش و تشدید تضادهای درونی اش نخواهد بود. گسترش برآمد توده ای با جهت گیری علیه ولایت فقیه و تمامی دسته بندیهای درونی آن و مبارزه برای استقرار یک نظام دموکراتیک. کثرت گرا. غیر مذهبی و غیر ایدئولوژیک و عدالتخواه. وجه دیگر چشم انداز تحولات جاریست. بستر فعلیهای ما و جهت گیریهای ما پاسخ به نیازهای مبارزه مستقل توده ای و جهت دادن آن در سمت سرنگونی نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه است.

در رسانه های جمعی —

اخبار سرکوب، کشتار و تروریسم

خبرگزاری فرانسه ۲۵ مهر: یک دادگاه در تهران رهبر یک باند را به قتل دست کم سه نفر راننده کامیون محکوم نمود و حکم درآوردن چشم او را قبل از این که به چوبه دار آویزان شود، صادر نمود. روزنامه قدس نوشت، دادگاه دستور کور کردن چشم مجید مهرپور، ۳۰ ساله را به درخواست خانواده یکی از مقتولین وی در کادر حکم قصاص از قوانین خشک اسلامی، صادر نمود. این روزنامه نوشت مهرپور دیده بان این باند بود که رانندگان کامیونها را گول می زدند و به بهانه در خواست کمک آنها را از ماشین پایین می آوردند. این روزنامه افزود: سه دتفر دستیار وی، جواد محمدزاده، ۳۲ ساله، محمود بیابانی، ۲۷ ساله و برادر دو قلوی وی حمیدرضا بیابانی نیز محکوم به اعدام از طریق حلق آویز شدند.

روزنامه رسالت ۲۷ مهر: شنیده شده از توزیع ششمین شماره از ماهنامه شبستان توسط وزارت ارشاد جلوگیری شده است. در روی جلد این نشریه حجاب به تمسخر گرفته شده بود.

روزنامه خرداد ۲۸ مهر: به دنبال توقیف جلد نشریه انجمن وابسته به انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران که در داخل دانشگاه منتشر می شود و تاکنون پنج شماره از آن منتشر شده است و پس از پیگیریهای لازم معلوم شد که این توقیف توسط حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی تهران بزرگ و در چاپخانه صورت گرفته است. گفته می شود در احضاریه ای که به دفتر حراست دانشگاه ارسال شد، مشخص شد که شکایت به خاطر چاپ تصاویر حادثه کوی دانشگاه بوده و حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی با حکم قضایی اقدام به این کار کرده است. در این احضاریه، مدیر مسئول و طراح روی جلد نشریه به دادگاه فراخوانده شده اند.

روزنامه اقتصاد ۲۸ مهر: گفته می شود از سوی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاههای تبریز و علوم پزشکی تبریز کتابی در خصوص وقایع روز ۲۰ تیر ماه دانشگاه تبریز تحت عنوان دانشگاه در تسخیر منتشر شده است. روی جلد این کتاب که در ۱۰۸ صفحه منتشر شده است عکسی از تابلوی نقاشی آدم خواری در پاییز اثر سالوادور دالی و در پشت جلد نیز بخشی از اشعار اخوان ثالث از مجموعه آخر شاهنامه چاپ شده است. در این کتاب مواضع مطبوعات گروهها و شخصیتهای مختلف در قبال حادثه در این دانشگاه در چهار فص منتشر شده است.

خبرگزاری فرانسه ۲۹ مهر: به گزارش مطبوعات چاپ تهران، ۵ ایرانی متهم به قتل، روز چهارشنبه در زندان قصر تهران در حضور مقامات زندان و اعضای خانواده قربانیان، به دار آویخته شدند. روزنامه محافظه کار انتخاب گزارش داد که این ۵ مرد که حدود ۳۰ سال دارند، متهم به قتل ۵ نفر هستند. این محکومین قبلا بین دو تا ۱۲ سال حبس را گذرانده اند.

رادپو صدای کردستان ایران ۲ آبان: اطلاعیه کمیسیون سیاسی - نظامی حزب دموکرات کردستان ایران را یخش کرد که در آن از جمله آمده است که: با نهایت تاسف اعلام می داریم که ساعت ۲ بامداد روز جمعه ۲۳ مهر ۱۳۷۸ شمسی، دو تن از رفقای دلسوز و مبارز حزب به نامهای رسول شعبانی فرزند عبدالله اهل روستای تازنده اشنویه و طاهر حسین نژاد فرزند رسول اهل روستای سرگز اشنویه در حوالی روستای شیخان هدف تیراندازی چند فرد مسلح ناشناس قرار گرفتند و در

نتیجه هر دو مبارز دموکرات جان خود را از دست داده و به کاروان شهدای حزب و خلق پیوستند.

روزنامه اخبار اقتصاد ۲ آبان: گفته می شود اکبر سعیدی تاجیک امام جماعت مسجد میثم تهران، به اتهام تروریسم سیاسی آیت الله منتظری از سوی دادرسی دادگاه ویژه روحانیت بازداشت و به یک سال حبس محکوم شد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۳ آبان: به گزارش رسانه های حکومتی روز یکشنبه، ۳ آبان، رژیم ضد بشری ملایان دو نوجوان به نامهای ابراهیم قربان زاده ۱۷ ساله، و میلان زمین افشان ۱۹ ساله را در شهر رشت در ملا، عام به دار آویخت.

رادپو فرانسه ۳ آبان: یکی از چهره های سرشناس بازار تهران حاج حسن فتح پور، چهارشنبه شب گذشته در مقابل منزل خویش در تهران مورد سوء قصد افراد ناشناس قرار گرفت و به قتل رسید. حاج حسن فتح پور مشهور به حاج حسن سیگاری در ساعت ۹ شب چهارشنبه توسط دو نفر که بر موتور سیکلت سوار بودند هدف گلوله قرار گرفت و در جا درگذشت.

روزنامه اخبار اقتصاد ۴ آبان: چند تن از دانشجویان دانشگاه آزاد واحد کرج به اتهام توهین به بسیج دانشجویی بازداشت شدند. گفته می شود دانشجویان در محل کار با منازل خود پس از نازرسی و تفتیش محل بازداشت شده اند.

رادپو صدای انقلاب ایران (کومله) ۵ آبان: گزارش داد که یکی از هواداران کومله به نام عبدالله مشیر پناهی روز جمعه گذشته توسط تروریستهای رژیم در شهر اربیل ترور شد. این رادپو هم چنین گفت: روز سه شنبه ۴ آبان، مراسم خاکسپاری عبدالله مشیرپناهی در شهر اربیل برگزار شد. در این مراسم پیام کومله قرائت گردید و از مقامات امنیت شهر اربیل خواست که قاتلین را شناسایی و دستگیر و مجازات نمایند.

روزنامه قدس ۶ آبان: گفته می شود دادگاه انقلاب اسلامی منوچهر محمدی را به ۸۳ سال زندان محکوم کرده است. بر پایه خبرهای ویژه قدس شعبه ۸ دادگاه انقلاب اسلامی پس از محاکمه و بررسی اتهامات نامبرده پرونده کیفری وی را تکمیل و انشای رای کرده است.

روزنامه خرداد ۸ آبان: دادگاه بهرام مازی عضو حزب ملت که از زمان وقایع کوی دانشگاه تاکنون در زندان توحید به سر می برد برگزار شده. اما حکم وی تاکنون صادر نشده است. مخبر عضو دیگر این حزب نیز که در زندان توحید است، در انتظار صدور حکم دادگاه خود است. آریا یکی دیگر از اعضای حزب مذکور به ۷ سال و ۳ ماه حبس محکوم شده است که ۴ سال از آن به علت عضویت در حزب ملت است. اما مهراون عبدالباقی از اعضای سازمان جوانان حزب پیاد شده به ۹ سال حبس محکوم شده است که ۴ سال از آن، به جهت عضویت وی در حزب ملت عنوان شده است. همچنین بیابانی (نیابری) از اعضای سازمان پیاد شده به ۶ ماه زندان قطعی و ۵ سال تعلیقی محکوم شده است. علی نژاد، شفیعی و عبیدی نیز از جمله دانشجویانی هستند که دو نفر اول به دو سال و نیم، و نفر سوم به یک سال زندان محکوم شده اند. برای ابراهیمی از دیگر دانشجویان دستگیر شده که در بازداشتگاه توحید است، حکمی صادر نشده است. دادگاه خالک رستم زاده دانشجویی کرد نیز که ۷۰ روز را در انفرادی در بازداشتگاه توحید به سر برده است، هنوز برگزار نشده است. براساس شنیده های فردی به نام فردیک که در جریان حوادث کوی دانشگاه بازداشت شد، به ۱۰ سال حبس محکوم شده است و در حال حاضر در بند جوانان زندان اوین است.

روضه وحدت

— زینت میرهاشمی

دومین نشست مشترک جامعه روحانیت و مجمع روحانیون روز پنجشنبه ۲۷ آبان تحت عنوان نشست وحدت و وفای در تهران برگزار شد. به گزارش ایرنا (خبرگزاری رژیم) در این جلسه آخوند مهدوی کنی دبیر کل جامعه روحانیت، آخوند علی مشکینی رئیس مجلس خبرگان، آخوند مهدی کروی دبیر کل مجمع روحانیون و آخوند رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام صحبت کردند. مهدوی کنی که مردم او را پدرخوانده مافیای حاکم بر بازار و یکی از آمران قتلهای زنجیره ای می دانند، در روضه خوانی خود به ترسیم خط قرمزهای رژیم پرداخت و گفت اسلام، انقلاب، امام و خط امام، ولایت فقیه و رهبری محورهای اصلی وحدت است. آخوند مشکینی بر ضرورت تکرار نشستهای وحدت و همدلی و پرهیز دو طرف از سخن گفتن و نوشتن مطالب علیه یکدیگر تاکید کرد و آخوند کروی ضمن اعلام وفاداری به نظام تحت این عنوان که همه ما به امام، رهبری و نظام اسلامی و انقلابمان عشق می ورزیم به خواست اصلی ۲ خردادیم یعنی توجه شورای نگهبان به نقش نظارتی خود با هدف فراهم سازی مشارکت همه اقشار مردم [بخوانید تعداد هر چه بیشتر از ۲ خردادیم] در انتخابات مجلس ششم تاکید کرد اما حرفهای آخوند هاشمی رفسنجانی صریح تر و مشخص تر از بقیه بود. او به قول خودش بدون تعارف و پرده پوشی حرف زد و گفت باید اذعان کرد که یسک سری اختلافات بروز کرده است و شیاطین و دشمنان در کمین نشسته و مکارانه به این اختلافات دامن می زنند و آن را تشدید می کنند و قطعاً وضع موجود یک وضع طبیعی نیست. وی در ادامه سخنان خود باز شدن شکافهای متعدد و گوناگون در صفوف خویبها را موجب تسهیل رخنه دشمن دانست (ایرنا - ۲۷ آبان). حرفهای آخوند رفسنجانی را که به درستی باید او را مکارترین چهره سیاسی رژیم جمهوری اسلامی دانست، بیان صریح موقعیت رژیم در لحظه کنونی است البته نیروهای انقلابی که دشمنان واقعی این رژیم هستند، نه مثل رفسنجانی که مکارانه می خواهد از شکافهای موجود به سود تقویت موضع خودش بهره برداری کند. بلکه به طور صریح و روشن اعلام کرده اند که وضعیت رژیم طبیعی نیست و شکافهای متعدد و گوناگون در صفوف جناحها و دسته بندیهای درون رژیم به علت مقاومت و فشار گسترده مردم از پایین و اقدامات سیاسی و نظامی مقاومت سازمان یافته پر کردنی نیست و هیچ دش حقی رفسنجانی مکار نیز نمی تواند با خوشکاری این شکافها را به هم وصل کند و بنابراین شرایط برای نابودی رژیم هر روز بیشتر از روز قبل فراهم می شود. جلسات وحدت و وفای و روضه خوانیهای وحدت طلبانه هیچ تأثیری در این وضع نخواهد داشت.

روزنامه ایران ۱۰ آبان: با گذشت چهار روز از مرگ مشکوک یک استاد دانشگاه که در حادثه سقوط از طبقه پنجم یک مجتمع مسکونی در خیابان سنایی تهران جان سپرده است. هنوز علت اصلی مرگ او اعلام نشده است. این استاد دانشگاه که مسعود تفضلی نام داشت صبح پنجشنبه گذشته هنگامی که بعد از ورزش صبحگاهی در بالکن آپارتمان مشغول استراحت بود، به طرز مشکوکی به زمین سقوط کرد و جان سپرد. عطاالله تفضلی برادر این استاد دانشگاه در این باره گفت: خواهرم مسعوده دارای مدرک دکترای علوم تربیتی و روانشناسی از دانشگاه مونیخ از کشور آلمان بود و تا سال قبل در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس می کرد.

در رسانه های جمعی —

روزنامه ایران ۱۱ آبان: نزدیک به ۶۰۰ تن از دانشجویان دختر و پسر دانشگاههای بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان تجمعی تحت عنوان تجمع بزرگ و اعتراض آمیز دانشجویی، در سالن اجتماعات دانشگاه بوعلی برگزار کردند. به گزارش خبرنگار ایران در همدان، این اجتماع در اعتراض به برخوردهای اخیر با مدیران مطبوعاتی برپا شده است.

روزنامه خرداد ۱۱ آبان: گفته می شود منوچهر صانعی که برخی، از او به عنوان یکی از قربانیان قتلهای زنجیره ای نام می برند، به دلیل سابقه کارمندی در دربار با اسناد و نوشته های بازمانده آن زمان آشنایی داشته و پس از انقلاب به دلیل آن که مرتکب جرمی نشده و محکومیت کیفری نداشته، با مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بنیاد مستضعفان مشغول به همکاری شد و در آنجا سند خوانی می کرده است. (صانعی) بدین وسیله در شناسایی جنبه هایی از اسناد موجود همکاری می کرده است. صانعی چند بار توسط افرادی در وزارت اطلاعات احضار شده بود و سرانجام به همراه همسرش فیروزه کلانتری روبرو شد. چندی بعد جسد آنها کشف می شود گفتنی است. همسر سعید امامی نیز جزو کارمندان مؤسسه مذکور بوده است.

توضیح نبرد خلق: نام منوچهر صانعی و همسرش در تاریخ ۶ خرداد ۷۸ در لیست ۴۷ نفره قربانیان قتلهای زنجیره ای توسط کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران اعلام شده بود.

روزنامه آریا ۱۱ آبان: چند نفر در ارتباط با فعالیت برای انتشار کتاب خاطرات آیت الله منتظری زندانی شده اند. محمد ابراهیم نونام دادستان ویژه روحانیت تهران طی گفتگوی کوتاهی با خبرنگاران پس از پایان دومین جلسه محاکمه عبدالنور با بیان این مطلب افزود: رسیدگی به این پرونده هنوز در مرحله دادرسی قرار دارد ولی تاکنون عده ای به این اتهام بازداشت تعدادی دیگر تحت تعقیب قرار گرفته اند. وی از اعلام نام و سمت و تعداد اشخاصی که در این ارتباط بازداشت شده و یا تحت تعقیب قرار دارند، خودداری کرد.

تولیزبون رژیم ۱۱ آبان: شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران رأی خود را در باره متهمان نشریه موج صادر کرد. دادگاه متهم ردیف اول عباس نعمتی نویسنده نمایشنامه را به تحمل سه سال حبس تعزیری محکوم کرد. متهم ردیف دوم محمدرضا نم نیات نیز به تحمل سه سال حبس تعزیری محکوم شد. متهم ردیف سوم علیرضا آقایی به عنوان مسئول تابلوی آزاد انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر هم به شش ماه حبس تعزیری محکوم شد.

روزنامه خرداد ۱۲ آبان: ۱۵ تن از دانشجویان زندانی دانشگاه تبریز طی نامه ای از زندان تبریز به سید محمد خاتمی برای اجرای قانون و احقاق حق خود از وی استمداد طلبیدند. در قسمتی از این نامه آمده است: در روز واقعه بیستم تیر یکی از دانشجویان در داخل دانشگاه تبریز بعد از اصابت یک تیر به پای راستش، هنگامی که پای مجروحش را برای استمداد و کمک نشان می دهد از فاصله نزدیک مورد اصابت دو تیر مستقیم و عمدی دیگر قرار می گیرد؟ پای خود را تقریباً از دست می دهد و تنها پس از ۳۸ روز غمگینی شدن در زندان مورد عمل جراحی قرار می گیرد. آیا این اتفاقات خود ناشی از سلب حقوق قانونی و انسانی یک شهروند نیست؟ اما همه ماجرا این نیست. همین فرد به جرم این که مورد اصابت تیر قرار گرفته و موجب تحریک سایر دانشجویان شده توسط قاضی به یک سال محکوم شده و تیراندازی که در داخل دانشگاه به یک دانشجوی مجروح و تیر خورده که قادر به حرکت نبوده شلیک کرده محرک

شناخته نشده و آزادانه در جامعه می گردد؟ این بی قانونی که تحت لفافه قانون گریبی عمل می شود تا کی ادامه خواهد داشت؟

روزنامه کیهان ۱۸ آبان: سیلا جهانبخش نماینده اول عضو شورای اسلامی شهر کرمانشاه به کشور سوئد پناهنده شد. این نماینده که به بهانه کانیدیا شدن در مجلس ششم شورای اسلامی در کرمانشاه از سمت خود در شورای شهر استعفا داده بود با ترافدهای گوناگون به اتفاق شوهرش به کشور سوئد رفته و در آنجا پناهنده سیاسی شد. این فرد که در اوایل انتخاب شدنش در شورا و در زمان تبلیغات انتخاباتی سر و صدای زیادی به پا کرده بود خود را از هواداران دوم خرداد و طرفدار جامعه مدنی معرفی می کرد.

روزنامه خرداد ۲۰ آبان: دیروز در مجلس گفته شد که ۴ تن از دانشجویان دانشگاه سهند تبریز از سوی دانشگاه انقلاب این شهر دستگیر شده اند. همچنین یک نماینده به خبرنگار مسا گفت: یک لیست ۱۲۰ نفری از دانشجویان دانشگاه تبریز تهیه شده که قرار است به مرور دستگیر شوند.

روزنامه خرداد ۲۳ آبان: احمد باطبی دانشجوی رشته هنر که اکثر مطبوعات عکس وی را در حالی که پیراهن خونین در زمان وقایع کوی دانشگاه در دست داشت منعکس کردند. به ۱۰ سال زندان محکوم شده است. گویا وی به حکم صادره اعتراض کرده است. باطبی بیش از دو ماه را در زندان توحید و نیمی از این مدت را در بند انفرادی به سر برده است.

روزنامه خرداد ۲۳ آبان: تعدادی از دانشجویانی که در واقعه بیستم تیر دانشگاه تبریز بازداشت شده بودند، به هشت ماه تا ۸ سال زندان محکوم شده و چهارده نفر از دانشجویان نیز با حکم تعلیقی، آزاد شدند. به گزارش خبرنگار خرداد، فرزاد ساجد اردبیلی به هشت ماه زندان، علی صادقی که بر اساس حکم بدوی به هفت سال و شش ماه محکوم شده بود پس از تجدیدنظر خواهی به یک سال، ایوب سلیمی به یک سال، علی مهری به هفت سال و علی بیگس به هشت سال زندان محکوم شده اند. همچنین حمیدرضا قاسمی و نادر ضامن در بالاتلفی به سر می برند.

سازمان مجاهدین خلق ایران ۲۳ آبان: در ساعت ۳ و ۱۵ دقیقه بعد از ظهر دیروز، شنبه ۲۲ آبان، تروریستهای صدارتی رژیم آخوندی با کار گذاشتن یک ماشین انفجاری در معبر عمومی، سر راه خودروهای مجاهدین که در جاده بغداد - کوت به سمت قرارگاه فائزه (در حومه جنوبی شهر کوت) در حرکت بودند، به جنایت ضد انسانی دیگری مبادرت کردند. در اثر انفجار خودروی بمب گذاری شده که وانت تک کابین مملو از مواد انفجاری بود، یک خودروی مجاهدین و چندین خودروی شهروندان عراقی که در همین مسیر در حال تردد بودند، به شدت آسیب دید و شماری از شهروندان عراقی مجروح شدند.

خودروی بمب گذاری شده، در مسیر تردد مجاهدین بدون سرنشین رها شده بود و به شیوه کنترل از راه دور منفجر گردید. این هشدار و یکمین حمله تروریستی استبداد مذهبی حاکم بر ایران علیه مجاهدین در خاک عراق از ابتدای سال ۱۹۹۳ تاکنون می باشد. ۳۰ فقره از این جنایتها در دوران ریاست جمهوری خاتمی صورت گرفته است.

سازمان مجاهدین خلق ایران با تاکید بر حق مسلم پاسخگویی به این جنایتهای وحشیانه و ضد انسانی، بار دیگر دبیرکل، شورای امنیت و اجلاس جاری ملل متحد

و تمامی مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر را به محکوم کردن جنایتهای تروریستی رژیم آخوندی و اتخاذ تدابیر فوری علیه دیکتاتوری مذهبی و تروریستی فرا می خواند. سازمان مجاهدین خلق ایران همچنین از دولت عراق خواهان پیگرد و مجازات تروریستها و تعطیل لانه جاسوسی و تروریستی رژیم آخوندی در بغداد است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۲۵ آبان: روزنامه های حکومتی از اعدام ۱۰ نفر در اراک (مرکز استان مرکزی) خبر دادند. این حلق آویزها تعداد اعدامهای اعلام شده توسط رسانه های تحت کنترل حکومت را به ۵۴۳ عدد از زمان روی کار آمدن خاتمی تاکنون می رساند.

سازمان مجاهدین خلق ایران ۲۵ آبان: ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور اعلام کرد که طی هفته های اخیر چندین رشته درگیری بین نیروهای مقاومت مردمی و عوامل مسلح سرکوبگر رژیم در شهرهای مختلف کشور از جمله تهران، کرج، اصفهان، قم، نوشهر، خسوی، شادگان، ارومیه، ایلام، بابل، بندرعباس و تفرش، دهها تن از پاسداران و عوامل مسلح دستگاههای سرکوبگر و اطلاعاتی رژیم از پای درآمدند. در یکی از این درگیریها که هفته گذشته در شهر تفرش جنوب غرب تهران، روی داد، شماری از پاسداران کشته و مجروح شدند. در این درگیری که مجاهدین از حساسیت گسترده جوانان شهر برخوردار بودند، تعدادی از پاسداران سلاح خود را بر زمین گذاشته و دست خود را به علامت تسلیم بالا بردند و به این ترتیب توانستند صحنه را ترک کنند. در زده خوردهای تفرش یکی از مجاهدین به نام حسین آقا حسینی به شهادت رسید.

نبرد خلق شهادت مجاهد خلق حسین آقا حسینی را به خانواده و مقاومت ایران تسلیم می گوید.

تهاجم به قرارگاه ارتش آزادیبخش ملی ایران را

محکوم می کنیم

ساعت ۷/۵ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۲ آبان، دارو دسته جنایتکار خامنه ای، رفسنجانی خاتمی، در یک اقدام جنایتکارانه یکی از قرارگاههای ارتش آزادیبخش ملی ایران را هدف حمله موشکی قرار دادند. در این عملیات مزورانه، مجاهدان قهرمان حسین احرار، محمدرضا دلیر، عباس فروغ زاده، حمید دانایی و روح الله صفابخش به شهادت رسیدند و شماری از رزمندگان ارتش آزادیبخش زخمی شدند.

رژیم تروریستی حاکم بر ایران با این اقدام ننگین و به کار بردن سلاح کشتار جمعی در صدد است تا به خاطر شکست سفر مفتضحانه آخوند خاتمی به پاریس، از رزمندگان نابیر آزادی انتقام بگیرد و بدین وسیله قدرت نمایی نماید. وقتی پوشالی بودن سیاست کفتگوی تمدنیها به وسیله افشاکاری ایرانیان آزادیخواه در جریان سفر خاتمی به پاریس برای افکار عمومی جهان روشن شد، اکنون دارو دسته جنایتکار خامنه ای، رفسنجانی، خاتمی درصددند تا با زبان اصلی خود، یعنی زبان سرکوب و صدور ترور که سیاست اصلی رژیم جمهوری اسلامی و تمامی دسته بندیها و باندهای درونی آن است سخن گویند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، ضمن محکوم کردن قاطعانه این اقدام تروریستی، شهادت ۵ مجاهد خلق را به خانواده آنان و رزمندگان دلیر ارتش آزادیبخش ملی ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران تسلیم می گوید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

پنجشنبه ۱۳ آبان ۱۳۷۸ (۴ نوامبر ۱۹۹۹)

یادداشت و گزارش

۱. ش. مفسر

فرانسه در فعالیت انتخاباتی مجلس

شورای اسلامی

سفر محمد خاتمی رئیس جمهور رژیم روضه خوانها به فرانسه. که دومین سفر اروپایی او بود. مثل سفرش به ایتالیا با اعتراضات شدید هموطنان مقیم خارج کشور و گروههای سیاسی مخالف رژیم همراه بود. تحصن چند روزه خانواده شهیدای مجاهدین و اعتراضات و تظاهرات بزرگ هواداران مجاهدین و مقاومت. علیه سفر خاتمی سایر جنبه های این سفر را تحت الشعاع خود قرار داد. اقدامات نابخردانه و سرکوبگرانه پلیس فرانسه در یورش به برخی اقامتگاهها و خانه های خانواده شهیدا و هواداران مجاهدین خلق و دستگیری آنان. افتضاحی بود برای دولت فرانسه که هزینه سیاسی این سفر را برای این دولت بالا برد. مقامات فرانسوی هم مثل اغلب مقامات دولتی اروپایی و آمریکایی. پنهان نمی کنند که از خاتمی در برابر جناح رقیبش که آن را محافظه کاران می نامند. حمایت می کنند. اما این بار فرانسویها به وضوح با هدف تقویت موقعیت خاتمی در آستانه انتخابات مجلس رژیم که به خوبی از سرنوشت ساز بودن آن برای خاتمی و ۲ خردادیها آگاهند. پذیرای او شدند. این امر را وزیر خارجه فرانسه. هم در پاسخ به نمایندگان معترض به سفر خاتمی در مجلس ملی فرانسه هم در مصاحبه تلویزیونی به روشنی بیان کرد. از این طرف خاتمی در مساله مربوط به پروتکل و تشریفات. بهای زیادی پرداخت و به خاطر نپذیرفتن شرکت در ضیافتی که شراب در آن سرو شود. تن به تشریفات داد که سطح آن مناسب سفر رسمی یک رئیس جمهور نبود و این در داخل مورد انتقاد جناح رقیب قرار گرفت. با این حال به گمان من باید این نکته را در نظر داشت که خاتمی برای حفظ نظام ولایت فقیه و پیشبرد اهدافش آگاهانه تن به چنین روابطی می دهد و در ضمن ظرفیت فحش خوردنش از رقبای داخلی. زیاد و خیلی پوست کلفت است.

اقدامات پلیس فرانسه علیه هواداران مجاهدین. در واقع اقدامی بود برای بالا بردن کفه ترازوی دستاورد این سفر به نفع خاتمی در برابر جناح رقیب در داخل کشور که همگی در درخواست ممنوعیت فعالیت و حضور مجاهدین در کشورهای خارج با جناح ۲ خردادی همدل و هم صدا هستند. اما اقدامات شدید امنیتی پلیس فرانسه چه در کنترل مرزها چه حفاظت و اسکورت سنگین و فشرده خاتمی - که مورد انتقاد برخی مطبوعات این کشور نیز قرار گرفت. آسیب پذیر بودن این اقدامات و ناتوانی دستگاه پلیس و امنیتی بسیار آموزش دیده و مجهز به وسائل پیشرفته را در برابر اراده مبارزان انقلابی. به نمایش گذاشت. تخم مرغها. سدهای امنیتی را شکستند و

به هدف اصابت کردند و به این ترتیب هم آخوند خاتمی به عنوان رئیس جمهور رژیم ضد مردمی ولایت فقیه و هم کسانی که می خواستند جلوی ایران خشم و اعتراض فرزندان انقلابی خلقی ستمدیده و سرکوب شده را نسبت به نماد این رژیم بگیرند. تحقیر شدند. شلیک موشک به یکی از پایگاههای ارتش آزادیبخش که منجر به شهادت ۵ تن از رزمندگان و زخمی شدن چند تن از آنان شد. واکنش رژیم به خاطر این تحقیر شدن بود. اقدامی زیوانه که درنده خوبی رژیم روضه خوانها را در کلیت یک بار دیگر به نمایش گذاشت. این اقدام رژیم در عین حال نشان دهنده جدال نابربری است که بین مقاومت با این رژیم جریان دارد. اما روزی که سیل خروشان مردم برای برچیدن این رژیم خونریز و سرکوبگر راه بیفتند دیگر از موشک و تانک و هواپیما کاری ساخته نخواهد بود.

محاکمه سوری و تضادهای رژیم

ساجرای محاکمه عبدالله نوری. از رویدادهای مهم مربوط به تضادهای درونی رژیم بود. آن گونه که از گزارشهای مربوط به جریان این دادگاه برمی آید یکی از موضوعات مهم مورد اتهام نوری چاپ مقاله بی در روزنامه خرداد در ۲۵ اسفند سال گذشته است که در آن به گفته نونام داستان دادگاه ویژه روحانیت به مقدسات توهین شده است. در مقاله بی با عنوان اخلاق شادی و سبک زندگی که در روزنامه خرداد چاپ شده بود. به گفته نونام مصادیق رفتارهای اسلامی مانند حجاب. ریش گذاشتن. نداشتن رقص و پایکوبی و [برگزاری] مجالس عزاداری برای امام حسین و شادی نکردن در آن ایام زیر سؤال رفته و مساله حجاب نفی شده. عبدالله نوری همچنین به ترویج و تبلیغ آیت الله منتظری و نهضت آزادی و تبلیغ برای ایچان رابطه با آمریکا و اسرائیل نیز متهم شده است. عبدالله نوری در مقایسه با آن دسته عناصر رژیم که زمانی دارای مقامات بالا در رژیم روضه خوانها بودند ولی بعدا به حاشیه رانده شده یا کنار گذاشته شدند. با اعتماد به نفس و ایستادگی چشمگیری در دفاع از نقطه نظرهای سیاسی خود و آنچه به مصلحت نظام می داند. ظاهر شد. به طور مثال می شود او را با مهندس تون تاب میرسلیم وزیر ارشاد سابق یا بشارتی وزیر کشور سابق - که در ارتباط مستقیم با خدا. رضایت خاطر او را نسبت به فرمانداران و استاندارای که منصوب کرده بود. به آنان ابلاغ می کرد - مقایسه کرد که از زمان کنار گذاشته شدن. زبانشان را گریه خورده و صدایی از آنها شنیده نشده است. حتی آخوند موسوی خوئینیها. صراحت و دل جرات نوری را از خود نشان نداده است. اما در عین حال عبدالله نوری هم مثل اغلب اهل سیاست جهان سومی فاقد آن چیز است که به آن شهادت اخلاقی گفته می شود. شهادت برای اعتراف به اشتباه و انتقاد از خود. چنین انتظاری را از دست اندرکاران رژیم ضد تاریخی و

ضد ایرانی و خوریز روضه خوانها اصلا نباید داشت. به گمان من او کسی نیست که اعتراف کند تحمیل ولایت فقیه به مردم. خیانت بزرگی به آنان بوده که با جنایات بسیار بر تعداد آن پافشاری شده و خود او شریک جرم این رژیم در تمام جنایات و مظالمی است که به مردم روا داشته و به خاطر آن از مردم طلب بخشش کند و اعلام کند که باید ولایت فقیه کنار گذاشته شود و رای آزادانه مردم و رفاندومی برای مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی جدید باید پذیرفته شود. این کار را نه از حاج آقا عبدالله نه هیچکس دیگر در این رژیم نباید انتظار داشت.

عبدالله نوری در چهارمین جلسه دادگاه در ۱۳ آبان. در پاسخ به اتهامات وارده در مورد رابطه با آمریکا از جمله یادآور شد که. خمینی بعد از رویدادهای مکه ادر مرداد ماه سال ۶۶ که منجر به کشته شدن نزدیک به ۴۰۰ نفر از زائران اعزامی از سوی رژیم شد تاکید کرده بود که با خاندان آل سعود هیچ وقت کنار نخواهیم آمد. ولی وقتی شرایط به گونه ای است که دگرگونی شرایط جهانی و منطقه ای ما را وارد مرحله نوین کرده و بدون آن که به اصول و مبانی اعتقادیمان خدشه ای وارد شود و بعد از این که [ذهنیتهای وتوهنها از بین رفت. اکنون عربستان را دوست و برادر می دانیم و به لحاظ تأثیرات مثبت آن در بازار نفت و کاهش مشکلات اقتصادی با این حکومت رابطه برقرار کرده ایم. آیا این به صلاح نیست؟ نوری همچنین یادآور شد که خمینی در مورد جنگ گفته بود تا آخرین نفر و نفس ایستادیم ایم ولی سپس قطعنامه را پذیرفت. وی این سؤال را مطرح کرد که اگر خمینی چند ماه قبل از پذیرش آتش بس مرده بود. آیا جنگ تا آخرین نفر ادامه می یافت. او در مورد رابطه با آمریکا تاکید کرد که قضیه به خاطر اهمیت باید مورد بررسی کارشناسی قرار بگیرد و یادآور شد مگر امام حسین (ع) روز عاشورا با لشکریان یزید سخن نمی گفت و نفس مذاکره مگر چیز بدی است! این موضع نوری درست برخلاف نظر خامنه ای است که گفت مذاکره از رابطه هم بدتر است. نوری در برابر فشارهای رئیس دادگاه که ایضا منظورش ایجاد رابطه با آمریکاست به صراحت گفت: چه کسی گفته رابطه به معنای وابستگی است ما با بیش از ۱۰۰ کشور رابطه داریم. آیا به آنها وابسته شده ایم. نوری این نقطه نظرها را در حالی بیان کرد که روز قبل از آن خامنه ای دوباره افتابه به دست. بساط رئیس جمهور. حماسه ۲ خرداد. را خراب کرده و همه کسانی را که خواهان رابطه به آمریکا هستند. به شدت مورد حمله قرار داده بود. خامنه ای در آن سخنان گفت که این افسراد حقیر و پست و زبون در میان قشرهای مختلف از جمله در میان قلم به دستان و روشنفکران و ملیسین به این لباس [منظورش لباس خودش. لباس آخوندی بود] وجود دارند و تربیت آنها به گونه ای است که اجازه نمی دهد

تأثیرات زینبار و سنگین حضور. بکت قدرت استکباری. برای ملت خود را به دستی بفرمند. آنها در اقلیت ناچیز هستند و در ادامه تبلیغات دشمنان اسلام فعالیت و تبلیغ می کنند. اظهارات نوری تنها مورد تودهنی به خامنه ای نیست. خامنه ای در درون نظام در محاصره دشمن است. هیچکس خط این آخوندک حقیر را - جز تنی چند از فرماندهان جنایتکار سپاه و مرتجع ترین آخوندها مثل خزعلی و جنتی و ملاحسنی - نمی خواند. برای مثال روزنامه کیهان روز ۱۹ آبان از تجمع دانشجویان دانشگاه امام صادق در مسجد این دانشگاه را که در اعتراض به تیترو مومن روزنامه عصر آزادگان تشکیل شده بود. خبر داد. روزنامه جمهوری اسلامی همین روز نیز خبر از خشم و اعتراض جمعی از مردم در تیسران قسم و اصفهان به خاطر تیترو صفحه اول روز دوشنبه (۱۷ آبان) روزنامه عصر آزادگان داد و یادآور شد که این روزنامه در صفحه اول خود در روز دوشنبه از قول عبدالکریم سروش نوشته بود تفکیک خودی و غیر خودی اندیشه بی است که در جاهلیت قبیلگی ریشه دارد. همگان می دانند که امام خمین جهان حضرت آیت الله ولی امر این ای همین تازگیها یک بار دیگر بر مرزبندی بین خودیها و غیر خودیها تاکید کرد کیهان در گزارش خود از تظاهرات دانشجویان دانشگاه امام صادق نوشت که شرکت کنندگان در تظاهرات شعار می دادند: خامنه ای خمینی دیگر است. ولایتش ولایت حیدر است و سلم لمن سالکم خامنه ای حرب لمن حاربکم خامنه ای. با توجه به این شعار. به نظر می رسد. شرکت کنندگان در این تظاهرات از شترچرانان قبایل حجاز بوده اند که از طرف دفتر ولی امر مسلمین جهان بورس تحصیلی در اختیار آنان قرار گرفته و در دانشگاه امام صادق چند کلمه بی هم فارسی یاد گرفته اند و خشم خود را از سخنان سروش به فارسی و عربی بیان کرده اند. به هر حال. به فرض که حکم این دادگاه دستاویزی شود برای کنارگذاشتن نوری از انتخابات با این کار نه تنها هیچ دری به روی جناح هار گشوده نخواهد شد. - همچنین که برگزاری انتخابات مجلس خبرگان با نظارت استصوابی شورای نگهبان. هیچ مشکلی از خامنه ای حل نکرد - بلکه جناح هار و شخص ولی فقیه خشم و نفرت بیشتری را متوجه خود خواهند کرد چرا که مردم از این رژیم مرتجع سرکوبگر در کلیت متفرد اما خامنه ای و جناح هار که حتی حاضر نیستند تظاهر کنند که اندک حقی هم برای آزادی عقیده و بیان و برای مردم قائلند. در مرکز این نفرت قرار دارند و این امر در تظاهرات چند روزه دانشجویان به روشنی به ظهور رسیده. بالاخره این که آخرین رویدادهای مربوط به تضادهای رژیم تا زمان نوشته شدن این یادداشت. نشان دهنده چرخش اوضاع به زیان جناح هار است. منظور رویدادهای مربوط به روزهای ۲۲ و ۲۳ بقیه در صفحه ۶

یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۵

آبان (۱۳ و ۱۴ نوامبر) است. یکی از این رویدادها، تصمیم و نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام است. این مجمع نظر داده است که شورای نگهبان در اعمال نظارت استصوابی باید دلایل رد صلاحیت خود را به داوطلبان اطلاع بدهد. این مسأله بی بود که شورای نگهبان اما و اگرهایی برای آن قائل بود و زیر بار نمی رفت. در اختلاف بین مجلس شورای نگهبان و نظر این مجمع لازم الاجرا است. بنابراین دست شورای نگهبان در غربال کردن کاندیداهای ۲ خرداد و خط امامی مثل سابق بساز نخواهد بود.

خبر دیگری که روز یکشنبه ۲۲ آبان (۱۴ نوامبر) انتشار یافت این بود که ۱۸ حزب و تشکل سیاسی و صنفی رژیم شورای هماهنگی جبهه دوم خرداد را تشکیل داده اند که هدف آن هماهنگی برای دادن لیست مشترک در انتخابات مجلس است. با توجه به این که هم گروهها و تشکلهایی که موافق شرکت رفسنجانی در انتخابات هستند مثل کارگزاران سازندگی و هم تشکلهایی که کلاً نظر خوشی نسبت به شرکت او در انتخابات ندارند در این شورا شرکت دارند و عبدالله نوری هم عضوی از این شورا و از کاندیداهای آن است. می توان گفت که اوضاع برای جناح هار و مقام ولایت فقیه دشوار شده است.

سالروز قتلشای زنجیره بی و روز دانشجو سالروز جنایت دهنشانه سربازان گمنام امام زمان، قتل داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری و دو روشنفکر و اندیشمند ارجمند میهن، محمد مختاری و محمد جعفر پوربند، با فرا رسیدن آذر ماه فرا می رسد. همچنین روز دانشجو، سالگرد جنایت رژیم کودتایی شاه علیه دانشجویان آزادیخواه در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ یک سال پس از جنایت عوامل وزارت اطلاعات رژیم، هنوز هویت آمران و طراحان این جنایت، از مردم مخفی نگه داشته می شود. همچنین با گذشت چند ماه از یورش وحشیانه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی و حزب اللهی های پیرو ولایت، به کوی دانشگاه، با این که گویا چند تن که سوابق روشنی در حمله به اجتماعات و اقدامات خشونت بار دارند، به اتهام شرکت در این ماجرا دستگیر شده اند، نه بدان به مردم معرفی شده اند نه دانشگاهی برایشان تشکیل شد، اما برعکس از زمان تظاهرات تیرماه تاکنون تعداد کثیری از دانشجویان دستگیر و گروهی از آنان، محاکمه های غصیر علنی و بدون برخورداری از وکیل به زندانهای طولانی محکوم شده اند.

بنابراین قانون اساسی رژیم، رئیس جمهور در آغاز کار باید در مجلس سوگند یاد کند و سوگندنامه را امضا کند. در سوگندی که رئیس جمهور رژیم یسار می کند، از جمله می گوید: من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قران کریم و در برابر ملت ایران، به خداوند قادر

متعال سوگند یاد می کنم که ... از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته حمایت کنم ... بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی رژیم، تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی و عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را از وظایف دولت جمهوری اسلامی قرار داده است. در اصل بیست و سوم آمده است: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده بی مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد. اصل ۳۸ مقرر داشته است که هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. اصل سی و نهم می گوید: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. اصل یک صد و شصت و پنجم بر علنی بودن محاکمات و حضور افراد در آن تأکید دارد. مگر آن که علنی بودن، منافی عفت یا نظم عمومی باشد. البته این قبیل موارد در قانون اساسی در جو و فضای اجتماعی، سیاسی سال ۵۸ به رژیم تحمیل شد. اصولی که رژیم هیچگاه به آنها پایبند نبوده است یا یادآوری این اصول از قانون اساسی، دانشجویان و یا هر کسی طبیعی است که این سؤال را مطرح کنند که چرا خاتمی که مدعی قانونگرایی است، هیچ اعتراضی به این همه قانون شکنی و حرمت شکنی در مورد دانشجویان دستگیر شده به اتهام شرکت در تظاهرات تیرماه، نکرد؟ چرا به سوگندی که یاد کرده وفادار نماند و عمل نکرد؟ خود او و حامیانش باید در این مورد پاسخی به افکار عمومی بدهند.

جنبش دانشجویی اکنون در موقعیت تاریخی، حساس و بی نظیری قرار دارد. اگر دانشجویان همدل و همصدا خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان زندانی شرکت کننده در تظاهرات تیرماه، همچنین آزادی دست اندرکاران نشریه موج بشوند، اگر بر این خواست خود تا تحقق آن با تظاهرات و تحصن پافشاری کنند و اگر با شعار مرگ بر استبداد و زنده باد مردم سالاری و حکومت آخوندی برکنار برکنار - شعاری که در تظاهرات تیر ماه شنیده شد - به برگزاری فرآیند مردم برای حذف ولایت فقیه و برگزاری انتخابات آزاد برای مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی جدید که صامن دموکراسی و برجسته شدن نظام منحوس ولایت فقیه که توهین بزرگی به مردم ایران است پافشاری کنند، با نیروی عظیمی که دارند، و تأثیری که بر بخشهای دیگر اجتماعی می گذارند، خواهند توانست حرکتی در جامعه به وجود بیاورند که به پایان سلطنت خامنه ای و رژیم ولایت فقیه بیانجامد. همچنان که در اواخر زمان شاه، مبارزات دانشجویان در داخل و خارج نقطه آغازی شد برای فروپاشی آن رژیم سرکوبگر و یا تظاهرات دانشجویان در اندونزی سبب شد که دیکتاتور خونریزی مثل سوهارتو

مجبور به استعفا شود به گمان من مهمترین شعار و خواستی که در سالروز ۱۶ آذر دانشجویان باید بر آن پافشاری کنند و اصلاً کوتاه نیایند آزادی بی قید و شرط و فوری دانشجویان دستگیر شده است. تحت الشعاع قرار دادن این امر با مسائل و دعوای جناحی و انتخاباتی رژیم، ضربه و خیانت به جنبش دانشجویی است. شانزده آذر امسال می تواند نقطه آغازی باشد برای حرکتی اجتماعی بزرگ در جهت برچیدن دستگاه استبداد آخوندی. اما علاوه بر شعارهای سیاسی که به نمونه هایی از آن اشاره شد، من فکر می کنم خوبست شعارهایی در هجو رژیم هم - که نمونه هایی از آن مثل آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی شه در تظاهرات تیر ماه وجود داشت - به کار گرفته شود. با توجه به رویدادهای یک سال اخیر، من دو شعار به دانشجویان عزیز پیشنهاد می کنم. یکی از شعارها با توجه به حقه بازی خاتمی و این که شریک جرائم و جنایات رژیم علیه دانشجویان است و با توجه به سر به نیست شدن سعید امامی با واجبی، تنظیم شده و آن این است جامعه مدنی شیادی خاتمی، زنده باد شیاد، با کاسه بی واجبی، شعار دیگر به خاطر نقش خامنه ای در حمایت از همه اقدامات وحشیانه حزب اللهیها و نیروی انتظامی و با توجه به این که خشونت گرایان خود را پیرو ولایت می دانند تنظیم شده: پیروی از ولایت، جنایت و رذالت / باید تقوط / نمود به پیرو و به رهبر / اگر هم این شعارها وزن و قافیه درستی ندارند نداشته باشد، با قافیه و بی قافیه آنچه زنی است باید به این رژیم زد و کارش را تمام کرد.

زیرنویس

۱- در زمان رویدادهای مکه علاوه بر خمینی که خط و نشانها برای رژیم عربستان کشید و بعد در وصیتنامه اش بر لعن و نفرین آل سعود سفارش کرد، همه دست اندرکاران رژیم، خط و نشانهایی برای حکومت عربستان کشیدند و فحشها دادند. از جمله رفسنجانی در مقام رئیس مجلس در روز ۱۱ مرداد ۶۶ (۱۲ اوت ۷۸) در سخنانی که از رادیو پخش شد گفت: ما به عنوان سربازان خدا و به عنوان کسانی که مجری احکام خدا هستیم، خودمان را موظف می دانیم که انتقام خون شهیدان را از حکام سعودی بگیریم و تأکید کرد: انتقام خون این شهیدان این است که ریشه حکام سعودی از منطقه کنده شود و انتقام این خونهای مقدس این است همین شریفین و بقیع مقدس از لوث وجود واهیبهای شورو و خبیث پاکت شود و توتیهای عظیم نیای اسلام که در زیر خاکهای جزیره العرب خوابیده است، از این جنایتکاران کورفته شود و در جهت عظمت اسلام و مبارزه با کفر و استکبار جهانی محرف شود.

۲- تعظوظ کاریست که وقتی به طور طبیعی انجام آن ضروری می شود، باید به تواتر رفت و کاریست که ایستاده نمی شود انجام داد.

پوزش و اصلاح: در شماره پیش تاریخ برنامه رادیویی که خشم خمینی را برانگیخت اشتباهاً ۸ بهمن سال ۶۸ ذکر شده بود که تاریخ این رویداد مربوط به سال ۶۷ است که به این ترتیب اصلاح می شود.

محکومیت رژیم حاکم بر ایران

در کمیته سوم مجمع عمومی

ملل متحد کرد

قطعه نامه پیرامون نقض حقوق بشر تحت رژیم استبدادی - مذهبی حاکم بر کشور ما در کمیته سوم مجمع عمومی ملل متحد با ۶۳ رأی مثبت و ۴۱ رأی منفی به تصویب رسید. در جلسه پنجشنبه شب ۲۷ آبان، مجمع عمومی به بررسی تازه ترین گزارش آقای موریس کاپیتورن، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در باره وضعیت حقوق بشر در ایران پرداخت و علیرغم تلاش نمایندگان رژیم این قطعه نامه به تصویب رسید. این قطعه نامه به زودی در مجمع عمومی ملل متحد مطرح خواهد شد.

پرفسور موریس کاپیتورن، در گزارش خود خطاب به اجلاس جاری مجمع عمومی ملل متحد تأکید کرد که وضعیت حقوق بشر در ایران از زمان سرکوب تظاهرات و قیام مردم و دانشجویان در تهران و سایر شهرهای ایران در ماه ژوئیه گذشته وخیم تر شده است. پرفسور کاپیتورن در گزارش خود که روز ۱۱ آبان ارائه داد از این که تعداد اعدامها هنوز به طرز غیر قابل قبولی زیاد است، شکنجه و برخوردها و مجازاتهای مشابه همچنان ادامه دارند و شرایط فیزیکی سیستم زندانها غیر قابل قبول است ابراز نگرانی نمود و افزود: جرم اغلب کسانی که اعدام شده اند نامشخص است. وی گفته شده که تعدادی از اعدام شدگان هواداران یا فعالان اپوزیسیون ممنوعه یعنی سازمان مجاهدین خلق بوده اند. وی تأکید کرد که قطع بازوان، دستها و در بیشترین موارد انگشتان همچنان ادامه دارد.

آقای مسعود رجوی، مسئول شورای

ملی مقاومت ایران، ضمن استقبالی از پارتاب پازره ای از جنایات رژیم ملایان در این گزارش، گفت: گزارش حاضر نشان می دهد که تمامی دعای و تبلیغات حول تغییر و فرم در دوران خاتمی هیچ پایه ای در واقعیت ندارد و صرفاً دستاویزی برای توجیه معاملات و بند و بستهای اقتصادی با این رژیم ضد بشری است. بار دیگر به اثبات می رسد که تجزیه و از تسامیت انداختن دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران با هدف تیرکس بخشهایی از آن در جستجوی طرف معامله های مدره تنها و تنها باعث تشدید نقض حقوق بشر و سرکوب می شود. همانگونه که مقاومت ایران از بدو روی کار آمدن خاتمی اعلام کرد، باندتهای رژیم در سرکوب و صدور تروریسم وحدت نظر و منافع دارند و خاتمی نیز مانند سایر آخوندها خواستار حفظ استبداد مذهبی است.

آقای رجوی از پنجاد و چهارمین اجلاس مجمع عمومی خواست علاوه بر محکوم کردن قاطعانه نقض فزاینده ابتدایی ترین حقوق مردم ایران و صدور تروریسم توسط رژیم ملایان، پرونده نقض حقوق بشر در ایران را پس از ۴۴ بار محکومیت رژیم در ارگانهای مختلف ملل متحد، به شورای امنیت ارجاع دهد.

آینده نقش از زنان دارد

(۹)

گفتگوی خانم گلادیس وایگنر با خانم مارگارت ویچرلیش

بیوه های شوهر دار

آیا به نظر شما وضعیت سکونت و ساختارهای کنسونی آن در حاشیه شهرها نمی تواند یکی از موجبات این عارضه باشد؟ این که از بیوه های شوهردار صحبت می شود. خوب. منظور همین زنانی هستند که در طول روز تکیه و تنها در چهار دیواری خانه هایی به سر می برند که با فاصله زیاد بیرون شهرها قرار دارند. مردها مجبورند برای کار کردن هر روز مسافت طولانی در رفت و آمد باشند و زنهارا. واقعا مثل این که شوهرانشان مرده و بی یار و یاور باشند. در آن خانه - باغچه های پیرت و دورافتاده از تنهایی غرق می زنند.

- معلوم است که دورافتادگی و فاصله زیاد مزید بر علت می شود. ولی این مشکل در منازل و آپارتمانهای شهری نیز وجود دارد. در مواردی که مردها چندان علاقه ای به تعاملی فکر و گفتگو با زنیهایشان نشان نمی دهند و بیشتر می خواهند تر و خشک شوند و زنها مثل مادر مهربانی دورشان بگردند. در این جور خانواده ها دیگر فاصله میان محل کار و خانه نقش زیاد مهمی ایفا نمی کند. چند کیلومتر بیشتر یا کمتر فرقی ندارد.

خوب. این جدایی مابین محل کار و سکونت (و خواب). غریب شدن انسانها را بیشتر می کند و به نوعی بیگانگی از حوزه شغل و خانواده دامن می زند. این موقعیت یقیناً برای رشد آن کیفیتهای انسانی که شرح دادید مناسب نیست. آیا نباید دنبال تغییر و تحول این شرایط بود؟

خو گرفتن به نقش قربانی

- جدا بودن محل سکونت و اشتغال حتما باعث تشدید آن تقسیم بندیهای تحمیلی در جامعه می شود که بر تبعیض جنسی بنا شده اند. ولی شاید هم بدوا این تقسیم نقشها بوده که جدایی مابین کار و سکونت را شدت بخشیده است. در هر حال. زنان نوعی خلق و خوی قربانی شدن پیدا کرده اند که بدون نه گفتن و مقاومت. هر بیلای سرشان بیاید می پذیرند علم روانکاوی به این نتیجه رسیده که این حالت گاه حتما با میس و خوسی همراه است البته. این نوع عینیت می تواند به سادگی از تربیت فرد ناشی شده باشد. موارد گوناگون آن را در این صحبت داشتیم. آدم. بی خیال و انکش و رفتاری می کند که بعد دیگر به آسانی نمی تواند گریبان خود را از آن خلاص کند. با روحیه از خودگذشتگی به خود و دیگران نشان می دهد که چه آدم خوبی است. این را می دانیم که در جامعه هم مردهای خودآزار وجود دارند و هم زنیهای پرخاشخو و مردم آزار. لذت

بردن از آزار دیدن و آزار دادن. به صورت فردی می تواند نزد هر دو جنس (مرد و زن) وجود داشته باشد. منتها از دید تقسیم بندی جنسیتی و نقشهای تحمیلی اجتماعی. مسأله از این قرار است که سادیس و میل به استثمار عموماً خصلت مردانه است و مازوخیس و قربانی دادن ویژگی زنانه.

دنیای تجارت و اقتصاد برای خود عالمی است. در این عرصه. مردجماعت عادت کرده فقط با مردها نشست و برخاست کند. حتی در رقابت نیز مرد صرفاً مرد را جدی می گیرد. در این فضا. جای مرد و زن به صورتی رادیکال از هم جدا می شود. شاید جدایی کار و سکونت از همین وضعیت ناشی شده است. خانه برای مردها دنیای به کلی متفاوتی است. این جا می خواهند مثل بچه ها تر و خشک شوند. و زنها هم این تقسیم بندی را می پذیرند. با وجود تمام حرفهای پر نقش و نگار و آرمانی که راجع به اهمیت خانواده به زبان می آید. زندگی خانوادگی از چشم سیاستمداران ساده دل. و سیاستهای ریاکار آنها. به چشم دنیایی دست دوم دیده می شود که اصلاً قابل عرضه به افکار عمومی نیست. از نظر مردها حقیقتاً تنها آن دنیایی جدی گرفته می شود که فضای آن از زنها جداست. بیشترین سرمایه گذاری منافع و علایق مردها نیز در این جهاز خودی صورت می گیرد. البته. بودن با زن و بچه. مایه انبساط خاطر مرد می شود. ولی به هر حال مشغولیتی است اندکی خفیف. زنها هم به طور معمول موجوداتی به حساب می آیند اسباب دردرس.

میل و شادی

شما اغلب از میل و اشتیاق و شادی و نشاط سخن می گوید. معتقدید. اگر قرار باشد آینده نقش از زنان داشته باشد. پس می باید به شوق و شادی بیشتر دامن زد و به خصوص در حوزه های شغلی مشوق این عواطف بود. می باید خیلی بیشتر به قوه خیال و خلاقیت میدان داد. آیا همه این حالتها درست بیان خصوصیات زن نیست؟ آیا تلاش وی برای داشتن یک نوع اشتغال به همین جهت نیست که کار کردن مایه خوشحالی اش می شود؟

- خیلی جای تردید هست که این حالتها به طور بدیهی خاص زنان باشند. برای زنانی که تمایل دارند دائم خود را قربانی کنند و حاضرند استثمار خود را بپذیرند - وضعیتی که قرنهای به همین ترتیب ادامه داشته است - برای این زنان احتمالاً دیگر جای میل و اشتیاق و احساس نشاط از زندگی باقی نمی ماند. بی خود نیست که تا همین روزگار ما زنان خیلی بیشتر از مردان به افسردگی و دلزدگی دچار می شوند. چون مرد. هر چه نباشد می تواند دنبال گسترش دنیای خاص خودش باشد. مرد می تواند زندگی مردانه اش را به تنها حوزه انحصاری کوه ارض تبدیل کند. وقتی آدم بتواند دامنه کار مطلوبش را بسط دهد.

آن وقت. معمولاً. این توانایی به احساس میل و اشتیاق هم آمیخته است. طبعاً این توسعه طلبیها. با تجاوز و پرخاشخوییهای بسیار همراه است و هزار و یک درگیری و کشمکشهای رقابت آمیز دارد که رویهم فشار و عصبیت آن خیلی زیاد است و چندان آسایش و فراغتی باقی نمی گذارد. آن میل و هوسی که یک مرد در این مسیر حس می کند. بیشتر حالت تهاجمی دارد. مثل آن شور و شوق آرام و دلپذیر در موقع بازی کردن و کارهای خلاقه نیست. خواستن و میل شورانگیز درونی را هنوز می شود پیش اهل هنر و حرفه های دستی یافت. یا شاید هم نزد آن گروه از دانشمندان و پژوهشگرانی که ورا چشم و همچشمی با رقبا. دلبسته اندیشیدن و کاوشهای خود هستند. غیر از اینها که. دنیای معمولی کار و حرفه مردانه چندان غرق شور و شغف و میل و رغبت نیست.

پس. تحسول انگیزه ها و برانگیختن میل و شادمانی هم کاری است که زنان می باید عهده دار آن شوند؟

- اوه. خدای من. این زنان چه کارها و دنیاهاایی را که نباید دگرگون کنند! اما قدر مسلم آن است که مرد و زن. هر دو می باید در این مورد شناخت پیدا کند و دریابند که این وضع - یعنی این که مردها به طور معمول فقط دنیای کار و درآمد و کسب موفقیت باشند - این یک زندگی ملال آوری می شود. زنها می توانند بی معنا بودن و پوچی این وضع را به همسرانشان نشان دهند و مرتب این پرسش را پیش بکشند که: آخر که چی. لعنت به شیطان. آخر این چه کاریه که تو در این جامعه صبح تا شب فقط جان بکنی. پس ما چی. خواستن و دوست داشتن و حضور در خانواده چی. فکر و اندیشه و خلاقیت چی. ضرورت مداخله در امور بی حرکت جامعه و مبارزه علیه رشد تسلیحات و نابودی محیط زیست چی می شود. وقت داشتن برای دوستی و توجه به بیوندهای دوستانه و بسیاری از نیازهای انسانی دیگر چی. در این میان باید حواسمان باشد که مسأله فقط سر خانه و خانواده متمرکز نشود. این عرصه ها سخت تحت تاثیر نقشهای تحمیلی و تقسیم بندیهای مربوطه هستند و بعضاً رشد و انکشاف آزاد و بارآور افراد خانواده را سد می کنند. خانواده. در اغلب موارد. بیس از اندازه تحت اجبارهای مربوط به تقسیم نقش زن و مرد شکل گرفته. یا این که محلی است که مرتب رفتارها و واکنشهایی در آن به تکرار پیش می آید که طبیعت پرخاشخوگانه و خود آزارنده دارند.

اجبار نقشهای تحمیلی

شما از نقشها صحبت می کنید و به تعهدات نقشها و اجبار و تحمیل این نقشها توجه می دهید. ولی همه ما در بطن این مناسبات قرار داریم و امروزه ما ناچاریم با سرعت اقدام کنیم. حالا. در

این وضع. به چه ترتیبی می توانیم داوطلبانه و سریع خودمان را از این گردونه نقشهای کاذب بیرون بکشیم؟ شما به درستی اشاره می کنید که همه چیز در ساعت صفر شروع می شود. یعنی بلافاصله بعد از تولد یک بچه. خوب. چگونه می شود مادران و پدران را بدان سمت سوق دهیم که فرزندان خود را برای ایفای نقشهای بهتری تربیت کنند؟

- از یک سو. حتما خیلی عاجل و ضروری است که این تحول هر چه ممکن است زودتر انجام شود. از سوی دیگر. می دانیم که ترک شیوه های کهنه رفتاری که از بچگی به آدم آموخته اند چقدر دشوار است. هیچ نسخه معجزه آسایی وجود ندارد. هیچ دستورالعمل عامی در دست نداریم که به ما بگوید چگونه می توان به سرعت از گردونه نقشهایی که با آنها بزرگ شده ایم بیرون پرید. یا دیگر شیوه های رفتاری را که با تربیت به خوردمان داده اند از امروز به فردا کنار گذاشت به عنوان مثال. با خودمان چگونه تا می کنیم. یا به چه ترتیب این احساس فقدان ارج و قرب و بی ارزش بودن را. که زنها این قدر زیاد گرفتار آن می شوند. از خود دور کنیم. این که آدم باید خود را از شر عادتهای کهنه و مانوس ولی ملامت از پیشداوریهای ناسزا خلاص کند. این که آدم باید هر چه ممکن است زودتر این قالبهای فکری را دور بیندازد و خود را نجات دهد. اینها همه اش درست و ضروری است. ولی چه جوری می شود این کار را با سرعت انجام داد؟ یک کاری که ما می توانیم بکنیم این است که به طور مداوم توجه مردم را به عواقب این امر جلب کنیم که با این تقسیم کردن و تحمیل نقشها به انسانها در واقع به نوعی سرنوشت جهان ما معین می شود. این نوع تقسیم بندی و عوارض آن باعث شده اند روند مخربی از گذشته تاکنون ادامه پیدا کند که بارها پیامدهای وخیم آن را از نزدیک تجربه کرده ایم. ما ناچار هستیم مضمون غلط این نقشهای تحمیلی و محتوای عواقب اجباری آنها را بارها و بارها توضیح دهیم تا سرانجام آن پیچ و خمهایی شناخته شوند که ما را به مسیری غلط کشانده اند. با این تلاشهاست که خودمان را از منگنه رفتارها و واکنشهایی که تیپیکال زنانه و یا تیپیکال مردانه تقسیم بندی شده اند رها می کنیم. باید در نظر داشت که کار جهان به جایی کشیده که ادامه این وضع به صورت سابق دیگر هیچ عاقبت خوشی برای ما ندارد. در واقع. دیگر اجبار عادت و تکرار رفتارهای قبلی صرف نمی کند. چون این طوری برایمان آینده ای باقی نمی ماند.

صورت مسأله روشن است: اصول ارزشی کاذب. آرمانها و سرمشقهای نادرست. نقشهای تحمیلی به زن و مرد و قالبهای فکری کهنه و تکراری. جعلگی اینها برای بشریت تهدیدی

بقیه در صفحه ۸

آینده نقش از زنان دارد

بقیه از صفحه ۷

مرگبار شده اند، ولیکن متأسفانه من نسخه معتبری ندارم که به چه ترتیب می توان این وضع وخیم را به سرعت تغییر داد.

خوشبختانه امروزه دیگر زنانی هستند که به مرتبه ها و مقامهای سطح بالا راه یافته و به صندلی ریاست تکیه زده اند. از رؤسای بیمارستانها و مدیریت شرکتها گرفته تا نخست وزیری دولتها. منتها من خودم از بین زنانی که در رأس قرار گرفته اند کسی را نمی شناسم که در همان مسیر قبلی نداشتند نرسانده باشد. همان رویه بهره گیری بیشتر و چشم دوختن به درآمد حداکثر و ... آخر چنین زنی به خود می گوید: من باید این کار را خیلی شریک تر و کاملتر از مرد انجام دهم. من ناگزیرم امتحان خیلی بهتری پس دهم. چنین زنی احساس می کند در معرض فشاری شدید قرار دارد و هیچ خطایی نباید مرتکب شود، والا خواهند گفت که: آهان. این نتیجه کار زن است. اما با این تفاسیل. وی نیز گرفتار همان چرخ دنده اجباری می شود مثل مرد. تازه وقتی طرز فکرش این باشد که برای اثبات شایستگی خود ناچارا باید نسبت به مرد حاصل بیشتری ارائه دهد. ای بسا فشار منگنه شدیدتر هم می شود. آیا به نظر شما این زنان می توانند منشاء اثری بشوند؟

در مرتبه دوم

در باره این موضوع. اول باید گفت تعداد زنانی که به مرتبه های بالابلا رسیده اند از یک درصد هم کمتر است. معمولا زنان که نردبان ترقی را بالا می روند. خیلی که همت می کنند حداکثر به مقام معاونت یعنی به مرتبه دوم می رسند. از طرف دیگر یک قاعده و روال جبری در جامعه هست که وقتی یک زن ارتقا، مقام پیدا می کند. هر چه بالاتر رود به همان درجه هم می باید نسبت به مرد کارآمدتر و بارآورتر باشد. زن باید بتواند در مقایسه با مرد همردیفش بهتر کار کند. ساعی تر باشد، ایده ها و ابتکارهای بیشتری داشته باشد تا اصلا بتواند مسند خود را در بالاترین سطوح حفظ کند. این وضع حاکی از یک واقعیت و فشار اجتماعی است که در ضمن موجب می شود این مقامها فقط به دست زنانی بیفتد که تمام و کمال با ارزشهای دنیای مرد دمساز شده اند. همان هویت را اتخاذ کرده اند و از همان موازین نظم و کار و درآمد پیروی می کنند علاوه بر این. اینها زنانی هستند که به درجات از مردان همتراز خود برترند. الا که در عمل کاری از پیش نمی برند و عذرشان خواسته است.

ولی این که درست وارونه آن اهداف و تحولاتی است که ما در نظر داریم. نمونه اش خانم تاجر.

به نظر من در این زمینه هم اساسا فرآیند رشد آگاهی خیلی اهمیت

دارد. مسأله این است که یک زن به درک و آگاهی برسد که هر چند برای کسب مقام بالاتر مدیریت. می باید سخت تلاش و تقلا نمود، ولی اگر قرار باشد کاملا در انطباق با همان شیوه های کهنه مردانه کار کند که اهمیت خود را از دست می دهد و کلکش کنده است. از زمانی می تواند اعتبار خود را حفظ کند و مناسبات از کارافتاده را به حرکت درآورد که توانسته باشد در برابر فشار سنتی انطباق طلبی مقاومت کند. در این صورت است که وی فی المثل موفق خواهد شد. در کارخانه یا هر شرکت و مؤسسه دیگر. فضای تازه و انسانی تری به وجود آورد. در حال و هوای آرامتر نیز. برای کسب تفاهم فرصت بیشتری می ماند و با انجام گفت و شنودهای بارآور. ایده ها و ابتکارهای تازه ای نیز فشار مانع بروز خلاقیت و بارآوری است. پس، هر آینه یک زن در مقام و مرتبه بالا. از این موقعیت رهبری بهره گیری و خصوصیات زنانه ای را که شرح رفت در محیط مؤسسه می فابریک تحت مدیریتش رواج دهد. آنگاه جوی فعال و پر تکاپو پیدا می شود که به مراتب بارآورتر از میانگین وضعیتی است که پیرامون یک مدیر مرد می تواند به وجود آید.

اما، اگر یک مدیر زن با همان رفتارها و روشهای تیبیک مردانه اشتراک هویت پیدا کند و تازه بخواهد مثل تازه مسلمانها سختگیرتر و متعصب تر هم باشد. آن وقت دیگر حضور زنان در پستهای بالا چندان مثمر ثمر نخواهد بود و این خطرناک است که در این جامعه های تحت استیلای مردان. که فقط درصدی بسیار نازل از زنان به مقامات بالا دست می یابند، به دشواری می توان از آن گریخت. البته. در این مورد نظر دیگری هم هست و من زنان زیادی را می شناسم که معتقدند، با همین افزایش شمار زنان در مقامهای صاحب نفوذ. یک چیزی تغییر می کند. حال به هر صورت و در هر حوزه ای که باشد. زیرا به عقیده اینها. یک زن هرگز نمی تواند به آن اندازه خودشیفته و خود محور باشد که صرفا مقام و موقعیت خصوصی اش را در نظر بگیرد و فقط دنبال کسب موفقیت برای خودش باشد. زیرا، زن از همان بچگی یاد گرفته است که به حرف دیگران هم گوش فرا دهد و احساس همدردی کند. علاوه بر این یاد گرفته است که جلوه فروشیهای مردانه نباید این خودنماییها را جدی گرفت. بنابراین، زنی که به مقام ریاست رسیده. هر چقدر هم خلق و خوی مردانه پیدا کرده باشد. باز هم با او فرق دارد و در اعتیاد به رقابت و کسب موفقیت آن طور جولان نخواهد داد.

۹۹ درصد مردها

معنی این حرفها این است که زنها در اکثر کشورها به چنین مدارجی دست نمی یابند.

طبعاً. ارتقاء زنان به مقامهای تراز اول جزو نمونه های استثنایی است. در بعضی جاها کمی وضع بهتر شده است. مثلا در چین تلاش شده وضعیت زنان بهبود یابد و یقینا به پیشرفتهای مهمی نیز دست یافته اند. ولی در آن جا هم زنان هرگز در مقام مرتبه نخست قرار نگرفته اند. در روسیه هم که می دانیم زنان در بالاترین پستها جایی ندارند. در سرتاسر جهان. وضع به این صورت است که در بالاترین سطوح علمی یا اقتصادی و سیاسی. مردها بر ۹۹ درصد کرسیهای ریاست تکیه زده اند.

پس این طور به نظر می آید که تقریبا چیزی قابل تغییر نیست؟

نیاید قطع امید کرد و از مبارزه دست برداشت. ببینید، هستی و حیات که به خودی خود معنا و علت وجودی ندارد، هر یک از ما باید خودش به این زندگی معنایی ببخشد. آدم اگر چشم باز کند و ببیند آن معنایی که به زندگی زنان داده بودند. که به زندگی آنها تحمیل کرده بودند. حاوی دروغ و نادرستی بوده. باعث جبرویها و رفتارهای ناهنجار شده و حتا به وقوع فجایع کشیده است. آن وقت مطمئنا دیدگاه زنان انتقادی تری می شود و به معنای زندگی. جبر و تحمیل نقشهای تقسیم شده و اصول ارزشی به چشم دیگری می نگرند و لاجرم شمار فعالان زن افزایش پیدا می کند. به نظر من واقعا این طورست که رفته رفته شمار افزایشده ای از زنها متوجه می شوند آن معنایی که مردها تاکنون به زندگی داده بودند. اغلب موجب ویرانی و متلاشی شدن آن شده است. گروههای کثیر زنان درک می کنند حالا دیگر بر عهده آنهاست که معنای زندگی را بپوشند و نقد و مراقبت قرار دهند. از این روست که من هنوز امیدم را در این باره از دست نداده ام که دیدگاه انسانها به زندگی تغییر کند و نوبت برسد به رفتارها و ارزشهای تازه با وجودی که طبعاً هر یک از ما به فراخور تجارب زندگی و در اثر سرخوردگیها و ناکامیهایی که از سر گذرانده. خوب می داند که اتخاذ مواضع انتقادی و انجام تحول در رفتارها و ارزشهایی که تاکنون حاکم بوده اند. به این سادگیها نیست.

اکنون زنان تقریبا در همه جا می توانند در انتخابات شرکت کنند و رأی دهند. در این خواست حق رأی امید بزرگی نهفته بود - و خوب. امکان مهمی هم به وجود آمد - که زنان بتوانند توسط برگه رأی در خیلی از امور تغییراتی به وجود آورند. ولی امروزه. مثلا در سوئیس. می بینیم که شمار زنانی که در انتخابات شرکت نمی کنند به همان اندازه مردان است. پس می توان نتیجه گرفت که زنان برای امور کشوری که در آن زندگی می کنند مسئولیت احساس نمی کنند و در این مورد با اکثر مردان فرقی ندارند. به چه ترتیب می شود زنان را متوجه کرد که در این زمینه وظیفه بزرگی بر دوش دارند؟ (ادامه دارد)

اخبار زنان

زنان سوسیالیست بی الملل. مردان عضو سازمان اصلی سوسیالیست بین الملل را مورد انتقاد قرار دادند به این خاطر که موفق نشده اند بگن نمونه از بهبود شرایط کار زنان را ایجاد کنند. این موضوع در هفدهمین کنفرانس زنان سوسیالیست بین الملل که جمعه و شنبه در پاریس بود مطرح شده است. این کنفرانس در استانه کنگره اصلی این نهاد تشکیل شده بود. اجلاس کنگره سوسیالیست بین الملل روز دوشنبه برگزار می شود. خانم سیلوی گیلام دبیر کل حزب سوسیالیست فرانسه گفت یکی از اهداف این کنگره اتخاذ برنامه عمل روی موضوع وضعیت زنان است که در کنفرانس ۱۹۹۵ پکن به تصویب رسید طبق این برنامه ۱۲ موضوع بحرانی که زنان در آن رنج می برند شناخته شده است. از کشورهای عضو خواسته شده تا با بهبود این وضعیت توافق نمایند. اما از طرف دیگر جایگاه واقعی زنان در زندگی سیاسی و حرفه بی همواره در حد آرمان و آرزو باقی مانده است. وی افزود که خشونت علیه زنان کماکان نگران کننده است.

روزنامه خرداد ۱۹ آبان: زنان عربستان سعودی نیز چون مردان از این پس شناسنامه خواهند داشت. در پی تصمیم اعضای شناسنامه به زنان. امیر احمد بن عبدالعزیز معاون وزیر کشور عربستان گفته است: زنان هم مثل مردها حقوقی در تمام زمینه ها دارند. حق دارند شناسنامه داشته باشند و از حقوق مشروع دیگر نیز بهره مند شوند.

روزنامه خرداد در شماره روز ۱۹ آبان خود به نقل از خبرگزاری فرانسه می نویسد: نمایندگان مجلس کویت دیروز به بحث در مورد فرمان امیر این کشور که برای زنان حق فعالیت کامل سیاسی قائل شده پرداختند. جلسه دیروز مجلس پنجاه نفره کویت که تمام اعضای آن را مردان تشکیل می دهند با حضور شیخ سعدالعباد الله الصباح ولیعهد و نخست وزیر کویت برگزار شد و حدود ۱۵۰ زن نیز در جایگاه تماشاچیان به نظاره بحث و نمایندگانی در مورد سرنوشت سیاسی خود نشستند. نمایندگان پس از چند ساعت بحث و اظهار نظر به این نتیجه رسیدند که فرمان امیر را برای بررسی بیشتر به کمیسیون ویژه ای که برای آن تشکیل شده است ارجاع دهند و تصمیم گیری نهایی در مورد آن را به زمان دیگری موکول کنند. در مجلس کویت جناح لیبرال و همچنین نمایندگان شیعه مذهب طرفدار اعطای حق آزادی فعالیت سیاسی به زنان هستند و بقیه نمایندگان که طیف محافظه کارتر مجلس را تشکیل می دهند با آن مخالفند. به عقیده آنها اعضای این حق عواقب وخیمی در پی خواهد داشت. احمدیافر یکی از نمایندگان مجلس می گوید: اگر زنها بخواهند در انتخابات شرکت کنند. چه کسی از بچه ها توی خانه مواظبت خواهد کرد؟ حسین مطیومی یکی دیگر از نمایندگان هم با اشاره به این که فقط ده درصد زنان کویت خواهان حق رأی هستند می گوید: فقط زنها یائسه دنبال گرفتن حق فعالیت سیاسی هستند.

اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار شد

اجلاس شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران طی روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ آبان برگزار شد. در آغاز این اجلاس در گرامیداشت خاطره همه کسانی که طی یک صد سال گذشته در راه آزادی و برابری جان باختند و نیز تمامی شهدای جنبش کمونیستی و جنبش ترقیخواه مردم ایران و به ویژه شهدای قیام تیرماه اسما یک دقیقه سکوت اعلام شد. پس از آن برنامه کار اجلاس که توسط دبیرخانه سازمان پیشنهاد شده بود به تصویب رسید و به دنبال آن گزارش سیاسی سخنگوی سازمان به اجلاس ارائه گردید. این گزارش پس از بحث و بررسی با اصلاحات و تغییراتی به تصویب اکثریت قاطع شرکت کنندگان در اجلاس رسید. بخش مهمی از بحثهای پیرامون گزارش سیاسی در رابطه با شعار تبلیغی سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن صورت گرفت. به نظر اکثریت شرکت کنندگان در این اجلاس این شعار جنبه های مختلف نظام حاکم بر ایران را مشخص می کند و در مقابل شعارهای دیگر مثل «سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی» و یا «سرنگون باد رژیم استبدادی ایران» که از طرف بعضی از رفقا پیشنهاد شده بود. به این دلیل که بر ولایت فقیه و جنبه استبدادی و مذهبی آن تاکید می شود. شعار اصولی است. پس از تصویب گزارش سیاسی، بحث پیرامون سیاستهای تشکیلاتی و عملکرد بخشهای مختلف سازمان آغاز شد. پیرامون عملکرد بخشهای مختلف سازمان شرکت کنندگان در اجلاس به این نتیجه رسیدند که این عملکرد علیرغم برخی کمبودها و نیز پاره ای چالشها در بعضی بخشهای سازمان در مجموع مثبت بوده است. پیرامون سیاست تشکیلاتی، شورای عالی به این نتیجه رسید که مداخله جدی در جنبش اجتماعی مردم ایران به منظور پیوند این جنبش با جنبش مقاومت سازمان یافته به منظور بسیج همه نیروها در جهت سرنگونی نظام حاکم وظیفه اصلی بخشهای مختلف است. از این رو شورای عالی به این نتیجه رسید که سازمان باید همه امکانات خود را بر محور این وظیفه بسیج نماید. دستور پایانی اجلاس، انتخاب کمیته مرکزی سازمان بود. شرکت کنندگان در اجلاس با رأی مخفی کمیته مرکزی سازمان را انتخاب کردند. اجلاس شورای عالی سازمان با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد. تعدادی از رفقا که برای این اجلاس دعوت شده بودند و بنا به دلایل گوناگون نتوانسته بودند در اجلاس حضور پیدا کنند. در جریان بحثهای اجلاس قرار گرفته و در مواردی که احتیاج به رأی گیری بود، هم زمان آنان نیز رأی خود را اعلام کردند. پس از آن کمیته مرکزی جدید نشست خود را برگزار کرد. کمیته مرکزی سازمان سخنگوی سازمان و مسئول دبیرخانه و مسئولان بخشهای مختلف را انتخاب و پیرامون مصوبات اجلاس شورای عالی، تصمیمات مقتضی اتخاذ نمود. کمیته مرکزی طی فراخوانی به نیروهای سازمان از آنان خواست که تمامی امکانات و روابط گوناگون خود را در جهت وظیفه اصلی سازمان بسیج نمایند. دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران آبان ماه ۱۳۷۸ - نوامبر ۱۹۹۹

گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به اجلاس شورای عالی سازمان

آبان ماه ۱۳۷۸ - نوامبر ۱۹۹۹
رفقا

ما در آستانه قرن بیست و یکم و هزاره سوم هستیم. طی یک صد سال گذشته جهان ما با تلاشهای بزرگ و چالشهای شگرف روبرو بوده و بیکار انسانها برای زندگی بهتر ابعاد وسیعی یافته و علیرغم تلاش بی وقفه نیروهای بازدارنده تکامل جامعه بشری. این مبارزه دستاوردهای گرانبایی داشته است ما هزاره ای را پشت سر می گذاریم که جامعه بشری از دوران سیاه قرون وسطا به عصر جدید که انقلاب کبیر فرانسه نقطه عطف تاریخی آن بود. پای گذاشت. سرمایه داری در چند قرن گذشته به یک نظام جهانی تبدیل شد و در آستانه قرن بیستم به مرحله امپریالیسم تکامل یافت و اکنون در پایان این قرن بشریت شاهد تاخت و تاز بی محابا و وحشیانه امپریالیسم در شکل لیبرالیسم جدید است. سرمایه داری در پایان قرن بیستم، با ایجاد سازمان جهانی تجارت و ادغام انحصارات بزرگ، به یک سیستم گسترده جهانی تبدیل شده است. اکنون این تئوریهایی بزرگوار می مانند که با اعلام این امر که سرمایه وطن ندارد، بر خود می بالند. آن چه کارل مارکس در ۱۵۰ سال قبل در اثر درخشان خود سرمایه در مورد فاکتورهای انکشاف سرمایه داری گفت اکنون نیز در اساسی ترین خطوط آن کماکان صادق است. سرمایه داری با استثمار نیروی کار و انباشت ارزش اضافی، تضاد اساسی نظام مدرن یعنی تضاد بین اجتماعی شدن هر چه بیشتر تولید و خصوصی شدن هر چه بیشتر مالکیت بر ابزار تولید را شدت و حدت بیشتری می بخشد. آیا تمام شواهد و قرائن در پایان این قرن، صحت این امر را اثبات نمی کند؟

ادغام بزرگترین انحصارات سرمایه داری که طی سالهای گذشته شتاب یافته، شکل یابی نسبی سازمان تجارت جهانی، تشکیل پیمانهای اقتصادی قاره ای و بین قاره ای و جدال بین قطبهای بزرگ اقتصادی در رقابت برای دست یابی به بازارها و ایجاد عرصه های جدید برای استثمار نیروی کار. همه و همه نشان دهنده آن است که خصلت سرمایه داری در قرن بیستم همان خصلت انحصاری آن یعنی امپریالیسم است

سرمایه داری انحصاری طی یک صد سال گذشته اقدام به برپایی دو جنگ بزرگ جهانی و صدها جنگ منطقه ای و محدود نموده است. قرن

بیستم را همچنین می توان قرن فرمانروایی انحصارات تسلیحاتی دانست که با هزینه کردن خون و زندگی مردم به بزرگترین انباشت سرمایه در تاریخ بشری دست یافته اند. انحصارات سرمایه داری با استثمار نیروی کار در سراسر جهان، غارت منابع کشورهای پیرامونی، تعرض هر روزه به سطح زندگی و معیشت مردم و بیکار سازی گسترده، به انباشت عظیم سرمایه و در همان حال به گسترش فقر و بی خانمانی مبادرت ورزیده اند.

رئیس اجلاس اخیر مجمع عمومی ملل متحد که این روزها نشست آن در جریان است، در ۲۴ مهر ۱۳۷۸ (۱۶ اکتبر ۱۹۹۹) روز جهانی غذا به خیرگزارین اعلام نمود که حدود ۸۳۰ میلیون گرسنه مبتلا به سوء تغذیه مزمن در جهان امروز وجود دارند که عمدتاً زنان و کودکان هستند. وی تصریح کرد که تعداد فقرا، گرسنگان و کسانی که دچار سوء تغذیه هستند، تحت تأثیر پدیده جهانی شدن اقتصاد و برنامه های ساختاری که از بیرون و برای تطبیق با اقتصاد جهانی تحمیل می شود بیشتر خواهد شد. گزارش اسما (۱۹۹۹) توسعه انسانی که از سوی برنامه عمران ملل متحد در ۲۶۰ صفحه انتشار یافته به شکاف بین ثروتمندان و فقرا در جهان تاکید کرده و اعلام می نماید که طی ۹ سال گذشته نسبت درآمد ۲۰ درصد از ثروتمندترین مردم جهان نسبت به ۲۰ درصد از فقیرترین مردم جهان از ۶۰ به یک به ۷۰ به یک رسیده است. در این گزارش گفته شده که یک پنجم جمعیت جهان که در کشورهایی با بیشترین درآمد زندگی می کنند، ۸۶ درصد تولید ناخالص داخلی، ۸۲ درصد صادرات، ۶۸ درصد سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ۷۴ درصد خطوط تلفن جهان را به خود اختصاص داده اند. در حالی که در مقایسه با این کشورها، ۵۰ درصد از فقیرترین کشورها تنها از یک درصد موارد فوق بهره مند هستند.

در زمینه ادغامها، هر روزه شاهد توافقیهای مهم بر سر ادغام انحصارات بزرگ هستیم. نتیجه بلافاصله این ادغامها در مرحله اول بیکارسازی گسترده کارگران و مزدبگیران است. روزنامه ژاپنی نیپون کیزای در شماره روز ۳۰ مرداد ۱۳۷۸ خود از ادغام سه بانک بزرگ ژاپن که «بزرگترین گروه بانکی جهان» را تشکیل می دهند، خبر می دهد. این بانک جدید از ادغام سه بانک بزرگ از ۱۷ بانک مهم ژاپن، یعنی بانک صنعتی، بانک تجاری، و گروه بانکی دای ایچی ایجاد می شود. موجودی بانک جدید ۱/۳ تریلیون دلار خواهد بود و در نتیجه این ادغام ۶ هزار نفر طی پنج سال آتی بیکار خواهند شد. در حالی که در کشورهای بزرگ صنعتی قدرت خرید کارگران و مزدبگیران هر روز

کاهش می یابد و در کشورهای عقب افتاده و در حال توسعه وضع مردم فاجعه بارتر می گردد. با شکاف بین کشورهای بزرگ صنعتی و قبه کشورها، ابعاد فاجعه وسعت بیشتری می یابد. در حالی که درآمد ناخالص سرانه در سوئیس حدود ۴۰ هزار دلار، در نروژ حدود ۳۴ هزار دلار، در ژاپن حدود ۳۲ هزار دلار و در آمریکا حدود ۳۰ هزار دلار است. در بسیاری از کشورها منجمد کشورهای آفریقایی این رقم حداکثر به ۲۰۰ یا ۳۰۰ دلار می رسد. جنگهای ویرانگرانه و نیز سرمایه داری انحصاری به طور عام و انحصارات تسلیحاتی و نفتی به طور خاص مسبب ایس فاجعه انسانی هستند. فقر، بیکاری، بی خانمانی، فحشاء، اعتیاد، فقدان امکانات آموزشی و بهداشتی، تخریب محیط زیست، تهدید امنیت انسانها، تبعیض جنسی، فقدان امکان برای مشارکت جوانان در حیات سیاسی و اجتماعی، با انکشاف انحصارات سرمایه داری و جهانی شدن هر چه بیشتر این انحصارات، هر روزه افزایش بیشتری می یابد. سرمایه داری در شکل لیبرالیسم جدید که به طور عنان گسیخته انباشت سرمایه در نتیجه تسمی دست ساختن اکثریت قاطع ساکنان کره زمین پی گرفته، تضاد بین اجتماعی شدن هر چه بیشتر تولید اجتماعی و خصوصی شدن هر چه بیشتر مالکیت بر ابزار تولید را افزایش می دهد و بر خلاف نظریه پردازان نئولیبرالیسم که صحبت از پایان تاریخ و مہمالاتی از اینگونه می کنند، تاریخ بشر بدانگونه که اندیشمندان بزرگ تاریخ بشری، کارل مارکس گفته، همچنان تاریخ مبارزه طبقاتی بین استثمار کنندگان و استثمار شوندهگان است و این مبارزه تا هنگامی که استثمار شوندهگان قدرت را کسب نموده سپس با نفی استثمار، خود و به تبع آن دولت را نیز نفی کرده و جامعه متعسالی کمونیستی را مستقر کنند، ادامه خواهد یافت. ما خود را جزئی از گردان جهانی این بیکار سرنوشت ساز دانسته و برای سوسیالیسمی که انسان را در مرکز توجه قرار می دهد مبارزه می کنیم و اصول راهنمای ما نه آیه ای آسمانی و زمینی از پیش تعیین شده بلکه واقعیتهای سرسخت اجتماعی است. برای ما مارکسیسم و اندیشه های رهبران برجسته جنبش کمونیستی نه شریعت جامد که رهنمود عمل است و این اندیشه ها تا جایی مورد استفاده ما قرار می گیرد که به واقعیتهای موجود پاسخ دهد. ما در ماده ۲ منشور سازمان نظام سوسیالیستی مورد نظر خود را این گونه بیان کرده ایم یک نظام سوسیالیستی، نظامی دموکراتیک، پلورالیستی، سکولاریستی و تجدیدی دولت از مذهب و ایدئولوژی و مبتنی بر دخالت مستقیم مردم در امور بقیه در صفحه ۱۰

گزارش سیاسی سخنگوی ...

بقیه از صفحه ۹
خودشان و شناسایی حق تعیین سرنوشت مردم است. سازمان مخالف هرگونه سوسیالیسم غیر دموکراتیک. مخالف تلفیق حزب کمونیست با دولت. مخالف هرگونه سوسیالیسم سرکوبگرانه. اراده گرایانه و خودکامه. مخالف هرگونه دخالت در زندگی خصوصی افراد جامعه و مخالف سوسیالیسم متکی بر کیش شخصیت است. از این رو منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که مصوب شورای عالی سازمان در آبان ماه ۱۳۷۶ است. همچنان رهنمود عمل و بیان کننده اصول اساسی دیدگاههای ما و شعار استراتژیک ما همچنان شعار نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال. دموکراسی. صلح و سوسیالیسم خواهد بود.

اوضاع کشور و چشم انداز تحولات

طی صد سال گذشته جامعه ایران دستخوش تحولات عظیم و سرنوشت ساز بوده است. مردم ایران طی این سده مکرر برای دموکراسی، آزادی، حقوق برابر اجتماعی، عدالت اجتماعی، صلح، استقلال و پیشرفتهای اجتماعی به پا خواسته اند و حال که ما در آستانه قرن بیست و یکم هستیم نیز این مبارزه همچنان ادامه داشته و عمق و وسعت بیشتری می یابد. در طی یک قرن گذشته، بسیاری از برجسته ترین ایرانیان آزادیخواه در راه رهایی، دموکراسی و توسعه اجتماعی جان باخته اند که ما همه آنها را گرامی داشته و به یکبار خستگی ناپذیر آنان ارج می نهمیم. مقاومت زنان و مردانی که اکنون در زندانهای جمهوری اسلامی در زیر وحشیانه ترین شکنجه های قرون وسطایی مقاومت می کنند را گرامی می داریم. ما می دانیم که کمونیستهای ایران که طی یک صد سال گذشته در پیکار برای رهایی مردم ایران جان باختند را گرامی می داریم. ما به ویژه یاد آخرین جانباختگان راه آزادی، یعنی شهدای قیام اخیر دانشجویان و جوانان ایران و نیز یاد رزمندگان دلیر ارتش آزادیبخش ملی ایران که در تهاجم مؤسسه به قرارگاه ارتش آزادیبخش به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

طی یک قرن گذشته کشور ما عرصه جدال بین سه جریان اجتماعی بوده و این نبرد اکنون نیز همچنان ادامه دارد. جدال نیروهای قرون وسطایی و وابسته و وابسته گرا و نیروهای ترقیخواه در عرصه مبارزه سیاسی مهمترین روند جامعه ما طی یک قرن گذشته بوده است. طی این مدت هر یک از این سه نیرو با برنامه های خود بر اساس منافع طبقاتی و اجتماعی شان در حیات سیاسی فعال بوده اند. نیروهای ترقیخواه کشور ما هیچگاه به طور کامل قدرت سیاسی را در دست نداشته و به جز دوران کوتاهی پس

از انقلاب مشروطیت و در دوران ۳۰ ماهه دولت زنده یاد محمد مصدق که در قدرت مشارکت داشته اند. همواره در پیکار علیه نیروهای ارتجاعی و وابسته به انحصارات جهانی بوده اند. در مقابل، نیروهای ارتجاعی و وابسته عمدتاً در اتحاد و ائتلاف رسمی و یا غیر رسمی، آشکار و پنهان علیه نیروهای ترقیخواه جبهه گرفته اند. مردم ایران در یک صد سال گذشته، حکومتیهای استبدادی و فاسد خاندان قاجار، خاندان پهلوی و ولایت خمینی ساخته را با گوشت و پوست و استخوان خود لمس کرده اند. درست در نیمه قرن بیستم، جنبش ترقیخواه مردم ایران با شعار ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور با تلاش و از خودگذشتگی و پیکار دلیرانه مردم به یک دستاورد بزرگ نائل آمد و طی یک دوران ۳۰ ماهه دولت ترقیخواه و البته اصلاح طلب دستگیر مصدق، توانستند به یکبار خود برای آزادی ابعاد جدیدی بخشیده و به بخشی از خواسته های خود دست یابند. اما کودتای ننگین امپریالیستی - ارتجاعی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که به ابتکار سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلیس و به وسیله ایادی آن در ارتش و دسته های اراذل و اوباش صورت گرفت و منجر به سقوط دولت دکتر مصدق گردید. این سقوط دولت دکتر مصدق و به قدرت رسیدن مجدد محمدرضا شاه، در بطن خود جریان ارتجاعی را تقویت نمود و مسجر به شکل گیری هسته اولیه ارتجاع خمینی گردید. در آن زمان البته آیت الله کاشانی (سلف خمینی) که خود ادامه دهنده راه شیخ فضل الله نوری بود، در جبهه نیروهای ضد مصدق قرار داشت و خمینی نیز پس از آن که به قدرت رسید این کودتا را سیلی اسلام به مصدق نامید.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و سلطه رژیم دیکتاتوری محمدرضا شاه، جنبش ترقیخواه کشور ما دچار یک شکست استراتژیک گردید و این شکست با تحولات فرمبیدی - امپریالیستی و (رفرم ارضی) که در آغاز دهه چهل به ابتکار آمریکا و به دست رژیم شاه صورت گرفت. دوران سیاهی از اختناق و سرکوب را بر جامعه ما حاکم کرد. در آن شرایط که تسلط شرایط سرکوب و اختناق همه راههای مبارزه مسالمت آمیز بسته بود. انقلابیون ایران که در جستجوی راهی برای برپایی یک مبارزه قاطع و پایدار در جهت ایجاد سازمان رهبری کننده جنبش مردم بودند، به این نتیجه رسیدند که مبارزه مسلحانه تنها راه رسیدن به آزادی است. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران تکامل یافته ترین سازمانهای انقلابی در آن شرایط بودند که تقریباً از آستانه دهه پنجاه خورشیدی به شکل علنی فعالیت خود را آغاز کردند محمد رضا شاه به وسیله دستگاه سرکوبگر ساواک به سرکوب جنبش مسلحانه انقلابی مبادرت ورزید و بنا به دلایلی که ما بارها تحلیل نموده و اعلام کرده ایم، سازمانهای مسلحانه انقلابی نتوانستند در

رأس جنبش انقلابی که در اواسط دهه پنجاه خورشیدی ابتدا در شکل جنبش خارج از محدوده شکل گرفت قرار گیرند. تا آنجا که به سازمان ما یعنی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برمی گردد. ما فقدان رهبری شایسته ایندولوتیک - سیاسی را علت اصلی عدم کامیابی سازمان برای فرارگرفتن در رأس جنبش می دانیم. این فقدان اولاً به علت سرکوب گسترده رژیم محمدرضا شاه و ثانیاً به علت عدم توجه کارهای سازمان به این امر بوده است. با این حال جنبش انقلابی مسلحانه به طور عام و جنبش پیشتاز فدایی به طور خاص علیرغم اشتباهها، انحرافات و کمبودهای خود، تأثیر مهمی در جهت گیری جنبش مردم علیه رژیم شاه به جا گذاشته اند و این تأثیر به خوبی در قیام مسلحانه روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ و استقبال گسترده و توده ای از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خود را نشان داد. هشت سال پس از رستاخیز سیاهکل که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ صورت گرفته بود، در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، رژیم دیکتاتوری شاه سرنگون و خمینی که از نیمه دوم سال ۱۳۵۷ به طور کامل در رأس جنبش توده ای قرار گرفته بود، قدرت را در دست گرفت و با انجام یک فراندوم ضد دموکراتیک در ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۷، عملاً رژیم استبدادی و مذهبی ولایت فقیه را به مردم ایران تحمیل نمود و سپس در انتخابات ضد دموکراتیک مجلس خبرگان و پس از آن فراندوم برای تصویب قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی، به این رژیم لباس قانونی پوشاند.

جمهوری اسلامی که به وسیله خمینی بنیان گذاشته شد، رژیمی است دیکتاتوری و مذهبی که در رأس آن ولی فقیه تام الاختیار قرار گرفته است. تنها خلعت مذهبی این رژیم که بر اساس آپارتاید مذهبی بیجان گذاشته شده، کافیت است تا با قاطعیت گفته شود این رژیم و تمام دسته بندیهای درونی آن یک رژیم ضد مردمی، ارتجاعی و استبدادی است. در باره آثار زیانبار و فاجعه انگیز استقرار نظام ولایت فقیه بر کشورمان و خیانتها و جنایتهایی که این رژیم و تمام باندها و دسته بندیهای درونی آن و سرکردگانش در قبال مردم ایران مرتکب شده اند بدون اغراق میبویسها خبر، مرکز، تحلیل و سند انتشار یافته است. سرکوب، صدور ترویرسم و بحران خلعت اساسی این رژیم است و میلیونها کشته، زخمی و معلول و هزار میلیارد دلار خسارت، جزئی از بیان این رژیم در جریان جنگ ارتجاعی ایران و عراق می باشد. بیش از صد هزار تن از فرزندان آزادیخواه و میهن دوست کشور ما به دست این رژیم جنایتکار به شهادت رسیده اند.

خمینی پس از قبول آتش بس در جنگ با عراق، انتقام شکست خود را از جوانان و رزمندگان جبهه ترقیخواه که در زندانها اسیر بوده اند گرفت و چند ده هزار زن و مرد ایرانی را قتل عام نمود. چند صد تن از ایرانیان و منجمله از

فعالان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در خارج از مرزهای ایران به وسیله این رژیم ترور شدند. نظام ولایت فقیه یک سیاست تبعیض آمیز کامل نسبت به مذاهب و ادیان و ملیتها و خصوصاً زنان اجرا نموده و به ویژه یک نظام آپارتاید جنسی کامل در کشور ما مستقر نمود. خمینی و ادامه دهندگان راه او تمام دستاوردهای دموکراتیک و ترقیخواهانه قیام بهمن ۵۷ را پایمال نمودند. در باره بیان اقتصادی و اجتماعی این رژیم هرچه بیشتر بگوییم باز هم کم گفته ایم. جبهه نیروهای ترقیخواه کشورمان، یعنی نیروهایی که مرزبندی قاطع با نظامهای دیکتاتوری شاه و ولایت فقیه داشته و دارند از ابتدا و علیرغم تاکتیکیهای متفاوت اولیه در مقابل این رژیم ارتجاعی به مقاومت دست زدند و این مقاومت در ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ که خمینی به رژیمش شکل انحصاری کامل داد، به یک مقاومت مسلحانه و گسترده تبدیل شد. مقاومتی که با افتخار از میراث تاریخی جنبش ترقیخواه ایران از آغاز قرن اخیر تاکنون حفاظت و آن را در جهت ارتقاء و تکامل مبارزه اجتماعی برای دموکراسی، عدالت و سکولاریسم به کار می گیرد. جنبش مقاومت سازمان یافته و پایه اجتماعی آن یعنی جنبش اجتماعی مردم ایران، جبهه اصلی نیروهای ضد ولایت فقیه است که سرانجام جمهوری اسلامی و تمام دسته بندیهای ارتجاعی درونی آن را به زباله دان تاریخ خواهد ریخت. تمامی تحولات سیاسی اساسی جامعه ایران در شرایط کنونی تحت تأثیر تضاد این جبهه با ولایت فقیه است. در تیرماه سال ۱۳۶۷، هنگامی که مسالمت سازمان یافته در نبرد علیه این رژیم به دستاوردهای ارزشمندی رسید و در شرایطی که جنبش اجتماعی مردم ایران برای تحقق صلح در اشکال مثبت و منفی ابعاد گسترده یافته بود، خمینی از موضع ضعف با قبول آتش بس، دست به یک عقب نشینی از موضع استراتژیک خود برای گسترش جمهوری اسلامی و ایجاد اتحاد جماهیر اسلامی زد. در سال قبل نیز هنگامی که نظام ولایت فقیه با بحرانها و بن بستهای بدون علاج درگیر بود، بار دیگر خامنه ای نیز از موضع ضعف دست به یک عقب نشینی زد و از به کرسی نشاندن کاندیدای مورد حمایت خود صرفنظر کرده و نتیجه سه بر یک به ضرر کاندیدای مورد حمایت خود را پذیرفت. این عقب نشینی خامنه ای نه از موضع قدرت و برای خارج کردن رژیم از بن بست و بحران بلکه از موضع ضعف و ناتوانی صورت گرفت و در نتیجه ولایت خامنه ای را با بن بستها و چالشهای بزرگ و از هم گسستگیهای غیر قابل علاجی، روبرو کرد. تحلیل و نقطه نظرات سازمان ما در قبال رویدادهایی که به دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و برنده شدن جناح خائنی در انتخابات ریاست جمهوری ارتجاعی شد، در گزارش سیاسی مصوب اجلاس شورای عالی سازمان به اطلاع عموم رسیده است.

مصاحبه با یک ایرانی متقاضی پناهندگی در رابطه با جنبش دانشجویی

آقای حمید شما چند سال دارید؟
۳۲ سال متأهل و دارای یک فرزند
کی از ایران فرار کردید؟
۱۴ شهریور ۱۳۷۸

چه اتفاقی به خصوص افتاد که از ایران فرار کردید؟

به جهت شرکت و فیلم برداری در جنبش دانشجویی و به خصوص فیلم برداری از تظاهرات مردم و دانشجویان علیه رژیم و همچنین از عوامل رژیم در زمان حمله به دانشجویان و مردم در روزهای ۱۸ الی ۲۲ تیر ماه و دستگیری چند تن از دوستانم و ضمناً فیلم برداری از جمع آوری نیروهای حزب اللهی در نماز جمعه جهت سرکوب دانشجویان شما گفتند از جنبش دانشجویی فیلم برداری کردید می توانید چند صحنه از این رویدادها که توجه شما را جلب کرده را برای خوانندگان نبرد خلق توضیح دهید؟

اولاً - کبری دانشجویان و مردم با نیروی نظامی و حزب اللهی (ب) در خیابان انقلاب هیچ نیرویی از گروه چاقوکار حزب اللهی و نیروی انتظامی نمی توانست ابراز وجود نماید چرا که توسط مردم شکست می خوردند و در هم خورید؛ می شدند و حتی اشخاصی که برای حزب اللهی بودند و از طرف گروه حساس می شد از عوامل رژیم برود برخورد فیزیکی می شد و موتور یا هر وسیله نقلیه بی که داشتند توسط مردم آتش زده می شد و این در فیلم موجود است. پ، جانباز وقتنی وزیر کشاورز جهت محبت یا سخنرانی آمده بود توسط دانشجویان مورد حمله قرار گرفت و کشت حشود (بسیا محافظه‌اش) و حوشخخته هر دو مورد در فیلم است.

به نظر شما تاکتیک خاتمی و طرفدارانش در ابتدای قیام دانشجویان چه بود؟

رسمی که جنبش دانشجویی شروع شد و شب پخشیه توسط مأمورین نیروهای انتظامی و حزب اللهی کنترل نشد و به عبارتی به جای آن که ابرو را درست کنند زدن چشم را کور کردند و جنبش دانشجویی به خیابانهای اطراف و به مردم کشیده شد. خاتمی و نیروهای دولتی جنبه ۲ خرداندنها نه صحنه آمدند و اعلام کردند به خواستههای دانشجویان توجه و رسیدگی می شود و این زمانی بود که دانشجویان عقب نشینی کنند تا بتوانند جنبش دانشجویی را سرکوب کنند و دقیقاً اگر شما توجه کرده باشید همین هم شد و بعد از گذشت چند ماه نه تنها دانشجویان به خواسته های خود نرسیدند بلکه بسیاری از آنها در

دانشگاههای ضد مردمی محاکمه و شکنجه شدند.

بعضیها می گویند اقدامات قهرآمیز که در جریان رویدادهای تیر ماه انجام گرفته کار دانشجویان و جوانان و به طور کلی مردم نبوده. بلکه عوامل رژیم این اقدامات را انجام داده اند. شما چه فکر می کنید؟

یک شایعه صد در صد بود که از طرف رژیم احتمالاً ساخته شده به این جهت می گویم احتمالاً از طرف رژیم بوده است که فقط رژیم از این شایعه سود می برد و افراد نادان خواسته یا ناخواسته به آن قوت می بخشند. و برای اثبات آن چند دلیل موجه می آورم. اولاً خود من در جریان شرکت داشتم و فیلم برداری می کردم. ثانیاً رژیم چنین نیروی با این توان را در آن لحظه به آن شکل نداشت چون نیروی رژیم جهت سرکوب و درگیری بلوکه شده بودند و چون اکثر دارای نیروی این چنین بود با جنبش دانشجویی در مراحل اولیه برخورد قاطع می شد به این دلیل نتوانست با دانشجویان برخورد کند ثالثاً این مکانها که مورد حمله قرار گرفت مکانهایی بود که در محدوده تظاهرات مردم و دانشجویان بود (خیابان و میدان انقلاب) البته ناگفته نماند که من در تاریخ ۲۲ تیر در خیابان انقلاب و دانشگاه بودم. شنیدم در جهت حمایت از دانشجویان در خیابان ۱۴ خرداد و بازار شلوغ شده است و با نیروهای انتظامی درگیری پیش آمده و زمانی که من و تعدادی از دانشجویان و مردم به آنجا رسیدیم از شلوغی خبری نبود. اثرهایی از درگیری مانده بود مانند آتش گرفتار بانک و صدمه خوردن چراغ برق و چراغ راهنمایی در این رابطه بنده اطلاعاتی ندارم.

آیا شاهد کشته شدن کسی در جریان این قیام بوده اید؟

خیر. ولی شهدای کوی دانشگاه بنا به اطلاع اینجانب بیش از یک و ۲ نفر بود که از طرف رژیم اعلام شد. به این جهت که در زمان حمله. من در منطقه قرار داشتم که در سمت حمله کننده ها بودم و به این جهت در آنجا قرار داشتم چون تازه به آنجا رسیده بودم و عوامل رژیم به هیچ عنوان نمی گذاشتند کسی خود را به سمت دانشجویان برساند ولی مجروحانی من دیدم که توسط رژیم برده می شدند خیلی وضعیت بدی داشتند. ولی در زمانی که نیروهای دانشجویی در خیابان امیرآباد درگیر بودند فردی از دانشجویان در محاصره نیروهای فیلان حزب اللهی قرار گرفت و مجبور شد به یکی از آپارتمانهای آن نزدیکی پیدا ببرد و وقتی که نیروهای رژیم او را در آن آپارتمان دستگیر کردند فکر می کنم از طبقه سوم و یا دوم دانشجویی مزبور را به پایین پرت کردند.

گزارش سیاسی

بقیه از صفحه ۱۰

ما در آن گزارش تاکید کرده ایم که هدف خاتمی فقط مشارکت در قدرت از طریق قانونمندی کردن عملکرد ولی فقیه است. ما اعلام کردیم که خاتمی اصلاح طلب. رفرمیست و مدافع استحاله نظام ولایت فقیه نبوده و نیست و برعکس همواره بر سرسپردگی خود به ولایت خامنه ای تاکید کرده است. ما تاکید کرده بودیم که نه خامنه ای می تواند شرایط را به قبل از دو خرداد سال ۷۶ برگرداند و نه خاتمی و حبیبه پشتیبیان او می توانند در این رژیم اصلاح. استحاله و رفم صورت دهند و این چالش و بن بست نظام ولایت فقیه است که آن را در آستانه سرنگونی قرار داده است. ما همچنین تاکید کرده بودیم که جدلهای بین جناحها و باند های درون ولایت خامنه ای و فقدان توانایی خامنه ای برای کنترل اوضاع. سبب گسترش هر چه بیشتر جنبش اجتماعی مردم ایران می گردد که این جنبش مستقل از جناحها و باندهای درونی نظام. خواستار برجیدن بساط ننگین ولایت فقیه و استقرار دموکراسی. عدالت اجتماعی و یک دولت غیر مذهبی و غیر ایدئولوژیک است. این را قیام دانشجویان. جوانان. و مردم در تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران در تیرماه گذشته اثبات نمودند. تجربه دو سال گذشته. صحت این مواضع را نشان داد و اکنون نیز به همین گونه که در آخرین قطعه نامه شورای ملی مقاومت ایران آمده تاکید می کنیم که برای خامنه ای دو راه بیشتر وجود ندارد. یا تسلیم به رقبا و قبول مشارکت آنان و یا عملکرد به شیوه خمینی و پرداختن بهای آن و مسلماً خامنه ای هر کدام از این راه حلها را انتخاب نکند. نمی تواند رژیم را از بن بست و بحرانی که سراپای آن را فرا گرفته است نجات دهد. تحریکات دو سال گذشته و به ویژه تحریکات چند ماه گذشته نشان داده که خامنه ای عاجزتر از آن است که بتواند به شیوه ای خمینی گونه متوسل شود و خاتمی نیز نه می خواهد و نه می تواند حلال مشکلات عمیق و عدیده این رژیم ارتجاعی باشد. خاتمی و یا هر نیروی دیگری که مدعی قانون گرایی و جامعه مدنی است به شرطی می تواند به مثابه یک نیروی رفرمیست و اصلاح طلب عمل کند که در اساس بر جدایی دین از دولت تاکید کرده. ضد ولایت فقیه بوده و برای تحمیل بیست انتخابات آزاد بر اساس معیارهای بین المللی به رژیم تلاش کنند. تجربه دو سال گذشته همچنان نشان داد که خاتمی نه تنها اصلاح طلب و

رفرمیست. بلکه یک عوامفریب است که رسالتش مشارکت قانونمند جناحش در قدرت سیاسی. جلوگیری از گسترش جنبش ترقیخواه مردم ایران و نجات رژیم از سرنگونی است از این رو سیاست انقلابی و مردمی همچنان سیاستی است که مصرانه خواهان سرنگونی نظام استبدادی و مذهبی ولایت فقیه و استقرار نظامی دموکراتیک. عدالت طلب و سکولار از طریق مبارزه مسلحانه انقلابی به عنوان شکل اصلی مبارزه می باشد. بدین لحاظ ما همچنان با شعار سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه. و تمام دسته بندیهای درون آن به مبارزه برای تحقق خواسته های اساسی مردم ایران در این مرحله. یعنی استقرار یک نظام دموکراتیک و عدالت طلب و سکولار ادامه داده و برای پیشرفت این مبارزه و پیوند هر چه بیشتر جنبش مقاومت سازمان یافته با جنبش اجتماعی مردم ایران. همچنان به سیاست حمایت از شورای ملی مقاومت بر اساس اصل اتحاد - مبارزه (با عصبه بودن وجه اتحاد آن) ادامه می دهیم. ما از تمامی آزادیخواهان ایران می خواهیم که برای نجات مردم ایران و برای تحقق خواسته های اساسی مردم ایران که طی یک سال گذشته در راه آن مبارزه کرده اند به صفوف جنبش گسترده و مقاومت سازمان یافته بپیوندند.

ما از تمامی کمونیستهای ایران که برای تحقق شعار استراتژیک استقلال. دموکراسی. صلح و سوسیالیسم مبارزه می کنند می خواهیم که بر اساس منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به صفوف سازمان ما بپیوندند.

با ایمان به پیروزی

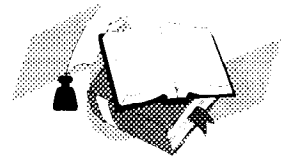
منهدی صالح - آبان ۱۳۷۸

- این گزارش پس از بحث و بررسی با اصلاحاتی به تصویب شورای عالی سازمان رسید.

تقابل با فرهنگ آخوندی

هفته نامه جنبه ۲۲ آبان: یکی از روحانیون منطقه اورامانات پاوه به نام سید لطیف حسینی. در تاریخ ۱۳ آبان در حال انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر به درجه شهادت نایل آمد. این روحانی شهید که برای دیدار با خانواده اش به یکی از روستاهای کامیاران سفر کرده بود. هنگام اعتراض به برگزارکنندگان یک عروسی مختلط سه همراه با قصر و پایکوبی بود. با پاسخ ناشایست آنها مواجه می شود و در اثر برخورد تند با ایشان. در همان محل بر اثر سکت قلبی جان به جان آفرین تسلیم می کند.

نقد کتاب -



حسن آقایی باف تبریزی

اخیراً کتابی به نام «تربیتون - مجله بررسی مسائل جامعه چند فرهنگی» به دستم رسیده است. در این کتاب مقاله ای در چند صفحه به قلم ماشاء الله رزمی به نام «علل شکست جنبش طرفداران آیت الله شریعتمداری به چاپ رسیده است. به عنوان یک کارگر قالی باف هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که خودم آن زمان شاهد رویدادهای تبریز و آذربایجان بودم به دروغها و تحریفهایی که رزمی در این مقاله نوشته است می پردازم. رزمی در اول مقاله چنین می نویسد: جنبش طرفداران آیت الله شریعتمداری در حقیقت مقاومت ملی آذربایجان در مقابل با رژیم فاشیستی است که از دل انقلاب ضد استبداد سلطنتی بیرون آمده و استبداد مذهبی را در سراسر ایران حاکم کرد و ... سراسر ایران در تب و تاب بود مبارزه برای آزادی شهرها را فرا گرفته بود. کردما، اعراب و بلوچها خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق ملی خود بودند و این طبیعی ترین و حداقل خواسته ملیتیهای مختلف ایرانی از انقلاب بود. (ص ۹۷ و ۹۸ کتاب تربیتون).

بلی جناب رزمی در آن مواقع که تمامی خلقهای ایران در مقابل استبداد جدید به پا خواسته بودند تا از ناپدید شدن دستاوردهای انقلاب دفاع بکنند خلق قهرمان کردستان به دفاع مسلحانه دست زده بود. شوراهای زحمتکشان ترکمن صحرا بر پا شده بود و حتی رهبران فدایی این شوراهای یعنی رفقای شهید توماج، مختوم، واحدی و جرجانی توسط رژیم استبدادی آخوندی تازده به قدرت رسیده به شهادت رسیدند. در آذربایجان نیز مردم علیه حاکمان جدید آخوندی می شوریدند که ناگهان اکثریت رهبران سازمان خط خیانت به خلق و توده ها را در پیش گرفتند و تشکیلات آذربایجان که یکی از مسئولان آن زمان شخص شما بودید، مثل گوسفند دنبال فرخ نگهدارها و کشتگرها افتادید که از آیت الله کیانوری و شوروی دستور می گرفتند به جای حمایت از جنبش خلقها به دفاع از حاکمیت آخوندها برخاستید چون از اردوگاه دستور رسیده بود که حاکمیت خمینی خرده بورژوازی است و این حاکمیت به

طریق راه رشد غیر سرمایه داری شما را به اردوگاه جهانی سوسیالیزم که همان بهشت موعودتان شوروی بود خواهد رساند و بدین ترتیب راه خیانت به خلق و سازش با حاکمیت آخوندها را در پیش گرفتید.

رزمی چنین می نویسد: شریعتمداری در میان طبقه کارگر جوان آذربایجان نیز که اغلب دارای ریشه روستایی بود نفوذ چشمگیری داشت حتی در سال ۵۸ کارگران قالب باف، دسته دسته و به نوبت برای حفاظت از خانه شریعتمداری از تبریز به قم می رفتند. (ص ۱۰۳ کتاب تربیتون)

ماشاءالله رزمی دروغگو می گوید و باید به خاطر داشته باشد که اولین اعتصاب کارگری توسط کارگران قالی باف و در خانه کارگر تبریز به وقوع پیوست و در حمله رژیم ارتجاعی آخوندی به دانشگاه تبریز، کارگران قالی باف اولین گروه کارگرانی بودند که حمایت خودشان را از دانشجویان اعلام کردند و حمله ارتجاع به دانشگاه را محکوم کردند. کارگران قالی باف که اکثرشان در اثر سختی کار، بیشتر درصد بینایی خود را از دست می دهند بیش از ۱۲ ساعت در روز روی تخته بند می نشینند و اکثر پاهای آنها کج می شود و از لحاظ جسمانی اکثر قالی بافها خیلی ضعیف هستند پس چطور اینها دسته دسته برای دفاع از خانه شریعتمداری به قم می رفتند. در میان دیگر کارگران کارخانجات نیز اکثر شوراها در دست کارگران پیشرو که هوادار سازمان بودند قرار داشت. البته جریانها دیگر چپ نیز در شوراها بودند و حتی هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در شوراها کارگران نیز می دادند. رزمی چنین ادامه می دهد:

گروههای چپ هم که خود را مدافع حقوق ملیتها می دانستند برنامه روشنی در این رابطه نداشتند و اغلب منکر وجود مسأله ملی در آذربایجان بودند قدرتمندترین نیروی چپ در آذربایجان در آن موقع فدائیان خلق بودند. درک آنان راجع به مسأله ملی مبتنی بود بر نظریات ملی رضانابدل که در جزوه «آذربایجان و مسأله ملی تئوریزه شده است. برای روشن تر شدن درک نادرست مسأله ملی توسط فدائیان آخرین پاراگراف جزوه علی رضا نابدل را می خوانیم. «ما با صبر و حوصله برای کارگران و روشنفکران با صداقت تمامی ملیتهای ایرانی با توضیح و در عمل ثابت خواهیم کرد که اولاً بدون وحدت انقلابی در مقیاس کشوری، پیروزی بر دشمن طبقاتی ممکن نیست ثانیاً هیچ یک از ملیتها بر دیگری برتر نیستند و برای نیل به پیروزی بر امپریالیزم و ارتجاع می توانند و باید زیر پرچم پرولتاریا

متحد شوند این امری است عینی غریزه طبقاتی این را به تمامی طبقات ستمدیده ملیتها می آموزد و ما باید جریان آن را تسریع کنیم. ما مسلماً هر گونه گرایش مغایر با وحدت پرولتاریا و وحدت خلق را ناپود خواهیم ساخت.» (ص ۱۰۶ کتاب) و رزمی چنین نتیجه گیری کرده است که معتقدان به نظریه رفیق شهید علی رضا نابدل به جنبش خلق آذربایجان ضربه زده اند. من به عنوان یک کارگر به این آدم دروغگو می گویم که رهبران اکثریت آن زمان اعتقادی به راه و روش رفیق شهید علی رضا نابدل نداشتند. آنها از خیلی وقت پیش راه حزب توده و خیانت را برگزیده بودند و دنبال فرصت بودند تا نظریات خودشان را پیاده بکنند و شخص رزمی که آن زمان از مسئولان آذربایجان بود این مسأله را به خوبی می داند و بعد از گذشت سالها باز هم به مردم با بی شرمی دروغ می گوید. مردم و کارگران و زحمتکشان آذری به خوبی رفقای شهید فدایی نابدل، دهقانپها، عرب هریسی و دیگر رفقای شهید فدایی را به خوبی می شناسند و شما ها را به خوبی می شناسند که چطور به خلق خویش خیانت کردید. شرعهای رفیق شهید علی رضا نابدل که سه زبان آذری سروده شده و در کتاب ایشیق جمع آوری شده است از عشق بی پایان این رفیق به کارگران و زحمتکشان ایرانی می باشد و شرعهای این رفیق شهید در اکثر کارگاههای آذربایجان ورد زبان کارگران می باشد. برای همین است که دروغگویی مثل شما نمی توانید خلقهای زحمتکش را فریب دهید و مسیر مبارزه خلقها را علیه امپریالیسم و ارتجاع و نظام آخوندی را تغییر دهید. نمی توانید با عمده کردن مسأله ملی آذربایجان به روش شما دروغگویی که در دیار فرنگ نشسته اید و فکر می کنید با درآوردن کتابها و مجلات گوناگون رنگی از حقوق ملی آذربایجانیها دفاع می کنید. مردم را فریب دهید. باید بدانید که خلقهای قهرمان آذربایجان می دانند چطور به توده ها پشت کرده اید و راهی بهشت سوسیالیزم شدید و سالها بعد هم از آنجا به اروپا تشریف برده اید و دارید برای مردم آذربایجان نسخه می پیچید.

اکنون بعد از گذشت سالها دراز کارگران و زحمتکشان و روشنفکران صادق به درستی نظریات رفیق شهید علی رضا نابدل پی برده اند که بدون وحدت انقلابی در مقیاس کشوری ایران، پیروزی بر امپریالیزم و ارتجاع و دشمن طبقاتی ممکن نیست و در سایه وحدت انقلابی و پیروزی بر ارتجاع است که تمامی خلقهای ایران به تمامی حقوق خود از جمله حقوق ملی خود دست خواهند یافت.

بخشی از نامه دختری از تهران برای دوست پسرش در اروپا

سلام. حال همه ما خوب است. ملالی نیست جز گم شدن نگاه به گاه خیالی دور که مردم به آن شادمانی بی سبب می گویند. با این همه عمری اگر باقی بود طوری از کنار زندگی می گذرم که نه زانوی آسوی بی جفت بلرز و نه این دل ناماندگاری درمان. عزیزم. من امید آن را دارم که تو سرخوش و سلامت هستی و خوشحالم از این که رفته ای جایی که نشانی از این زندگی کسالت بار و متعفن نیست. شب و روز در اینجا مانند کلیشه هایی که قبلاً تهیه شده است می گذرد خسته کننده و مزخرف.

بعد از ۶۱ روز نامه ات رسید و من این را به پای تمامی مشکلات می گذارم. بارها و بارها نامه ات را خواندم و گله مند از مختصر بودن نامه. اگر نمی توانی زود به زود نامه بدهی لافل دیر هم که دست به قلم می بری زیاد بنویس. از مامان پرسیده بودی. از مثل همیشه. پر نیرو و پرنشاط است. خداوند او را از ما نگیرد که من تمام درس عشق و زندگی را از روشنائی فانوس مادرم. از غم غریبش. از آن چادر به سر معصوم و از صفای عاشقانه مادران او آموختم. و اما می نویسم. کسی که همیشه از دست زندگی و خودش عاصی است و کاری از او ساخته نیست جز قتل عام روزها.

این روزها تشنه خواندن هستم. دوست دارم تا می توانم مطالعه کنم و مغزم پر شود از گزینه شعرهای فزونی و آثار صادق هدایت و کوپیر شریعتی و با ساده رنگ سهراب.

جان. اگر خدا بخواهد مهربان: برای کلاس کنکور ثبت نام می کنم که البته آن هم بستگی به کارم دارد چون هنوز تکلیف کارم مشخص نشده است. می دانی در این مملکت برای به دست آوردن کار. پست و مقام باید چابولوسی کنی. تظاهر. به قبول هدایت. در این مملکت هر چه دزدتر و احمق تر و بی شرم تر باشی بهتر می توانی زندگی کنی. من که دلم به هم می خورد.

نمی دانم از اوضاع اخیر اینجا خبر داری یا نه؟ حمله به کوی دانشگاه. تظاهرات دانشجویان و مردم که درگیریهایی زیادی را به وجود آورد حتی بازار برای دو سه روز تعطیل شد. بعد از ۵ یا ۶ روز درگیری. یک عده مفلوک چابولوس به نشانه دفاع از انقلاب راهپیمایی کردند و این درگیریهما هم پایان یافت. بگذریم.

آفتاب زندگی تکراری و گند شده است که احساس می کنم صد سال است که دارم در سن هیجده سالگی به سر می برم.

من دلم می خواهد تا می توانم مطالعه کنم و انعکاس این خواندن در زندگیم بروز کند. دلم می خواهد زندگی معنای درخشانی داشته باشد. دلم نمی خواهد مثل هزاران زن و دختر دیگر عادی زندگی کنم. دلم می خواهد بخوانم. بنویسم. ستاره های آسمان را خودم انتخاب کنم. هنوز همان دختر شیطان و بازگوش باشم. دلم می خواهد باز بابا و مامان با هم زندگی می کردند. دوباره ایوان خانه مان پر می شد از هر چه شمعانی بود. کاش هنوز هم آن کوچی اقا قیبا بود. آن دو دست جوان ...

کاش من هم مثل هزاران دختر هم سن و سال خودم بودم که به چیزی. جز شوهر و بچه و طلا ... و نمی دانم از این جور چیزها فکر نمی کردم. آفتاب که شوهر و هممانی و قرمه سبزی و آشپزخانه و ... برایشان مهم است.

انتخابات اتریش و پیروزی نازیسم جدید

— شهاب

علاوه بر نتایج انتخابات مجلس فدرال اتریش، از سوی مؤسست تحقیقاتی انتخابات اتریش حزب دست راستی آزادیخواهان اتریش (FPO) معروف به آبیها با کسب ۳۰٪ رأی، ۱/۲۴۴ رأی، ۲۶/۹۱ درصد از آرای رای دهندگان به عنوان برنده اصلی این انتخابات در افکار عمومی معرفی گردید. این حزب اینک با ۵۲ کرسی نمایندگی نسبت به دور قبلی انتخابات در سال ۱۹۹۴ توانست به یازده کرسی بیشتر دست یابد. این در حالیست که سوسیال دموکراتهای اتریش (SPO) معروف به قرمزها با کسب ۱/۵۳۲/۴۴۸ رأی ضمن از دست دادن ۶ کرسی نمایندگی نسبت به انتخابات ۱۹۹۴، با داشتن ۶۵ کرسی نمایندگی همچنان به عنوان حزب بزرگ این کشور کوچک و سرمایه داری به حساب می آید. در همین انتخابات حزب مردم اتریش (OVP) معروف به مشکیها، با کسب ۱/۲۴۳/۶۷۲ رأی تنها توانست ۵۲ کرسی نمایندگی دوره قبل را حفظ نماید و با اختلاف تنها ۴۱۵ رأی کمتر در مقابل حزب آزادیخواهان به جایگاه سوم حزبی در این کشور سقوط می کند. آلفرید سیس (Gruen) با کسب ۳۴۲/۲۶۰ رأی ضمن تحکیم موقعیت خود در اپوزیسیون اتریش با ۷/۴۰ درصد آرا توانست به ۱۶ کرسی نمایندگی دست یافته که نسبت به دوره قبل از انتخابات پارلمانی افزایش ۵ کرسی را به همراه داشته است. مجمع لیبرالها در حالی از مجلس فدرال خارج می شود که با کسب ۱۶۸/۶۱۲ رأی به حد نصاب لازم دست نیافته و به عنوان اپوزیسیون خارج از پارلمان فعالیت خواهد کرد. این مجمع در دوره قبل برای اولین بار پس از انشعاب از حزب آزادیخواهان توانست به پارلمان راه یابد.

حزب راستگرای آزادیخواهان اتریش (FPO) به رهبری (بزرگ حایدر) که به دلیل داشتن افکار راسیستی در این کشور بیشتر به فاشیستها مشهورند در این انتخابات توانست با استفاده از حربه های تبلیغاتی فضای سیاسی، اجتماعی را علیه خارجیها تحریک نموده و با مقصر جلوه دادن خارجیها به دلیل وجود بیکاری و مشکلات دیگری از قبیل مسکن، آموزش، مالی و رفاهی در واقع نوک حمله خود را متوجه رنگین پوستان آفریقایی و کارگران ترک و اروپای شرقی مقیم در این کشور قرار داد. او راه حل مشکلات موجود در جامعه را در زدودن خارجیها و جلوگیری از ورودشان به اتریش می بیند و ضمن دادن وعده های اقتصادی در مورد اعطای کمک مالی بیشتر از طرف دولت برای کودکان در مورد بهبود وضعیت بازنشستگان و گسترش مراکز آموزشی و کارآموزی سخن سرایی می کند! یک تحقیق منتشر شده در نشریه پروفیل شماره ۴۰ بیان می کند که حزب یورگ حایدر با کسب بیش از ۴۵ درصد از آرای کارگران مرد اتریش عنوان حزب کارگران !! اتریش را برای خود کسب کرده است.

زندگی یورگ حایدر

یورگ حایدر، زاده شده در یک خانواده نازی است پدرش از افسران نازی هیتلری بود. او به دلیل داشتن افکار سلف خود آدولف هیتلر از محبوبیت زیادی در بین پس ماندگان ناسیونال سوسیالیستها و نئونازیهای جوان برخوردار است. او که به دلیل طرح

اندیشه های راسیستی از سمت استانداری کرون تن کنار گذاشته شد. پس از یک دوره ویژه عالی علم سیاست در دانشگاه هاروارد با برنامه ریزی جدیدی حزیش را رهبری کرد و اعلام نمود که اندیشه های گذشته او به دلیل ناپختگی سیاسی و جوانیش بوده و امروز به طور دیگری فکر می کند!

اندیشه های یورگ حایدر

در واقع یورگ حایدر نه تنها در افکار نژادپرستانه خود تجدید نظر ننموده بلکه او و حزیش همواره به عنوان محملی برای گردآمدن نژادپرستان و نئونازیها بوده و هست. با پیروزی او و حزیش این سؤال مطرح می گردد که یورگ حایدر، خواهان چه تغییراتی در سطح روابط سیستماتیک موجود در جامعه است؟ همان طور که اشاره گردید یکی از موارد بحث حایدر، خارجیها مقیم در اتریش می باشد که در این مورد لازم است به تاریخچه کوتاهی از ده سال فعالیت مشترک دو ائتلاف دیگر سرمایه داری اتریش اشاره شود تا مشخص شود آنها چه نکرده اند که آقای حایدر قول انجام آن را می دهد. در پایان دهه ۸۰ و پس از فروپاشی حکومتهای اروپای شرقی، دولت اتریش در یک برنامه ریزی هماهنگ در چارچوب بازسازی کامل ورود به اتحادیه اروپا و پیاده نمودن افکار و برنامه های این اتحادیه، به وضع قوانین جداگانه برای خارجیها مبادرت ورزید. این قوانین عبارتند از قانون جدید پناهندگی، قانون حقوقی خارجیها، قانون کار خارجیها و قانون اقامت خارجیها که در طول سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ از تصویب مجلس شورای فدرال اتریش گذشت. با این که هیچ گاه حزب آزادیخواهان در این دوران اکثریت پارلمانی نداشته و اکنون هم ندارد ولی تصویب تمامی این قوانین ضد خارجی به راحتی از تصویب نمایندگان سوسیال دموکراتها، حزب مردم، سبزها و مجمع لیبرالها که در آن زمان هنوز با حزب حایدر بودند رسید. پس از تصویب مرحله بی این قوانین سریال، موج حملات علیه خارجیها بالاتر گرفت و چندین مرکز پناهندگی مورد حمله اوباشان نازیهای جوان قرار گرفت و حتی به آتش کشیده شدند که در این زمینه کارگران سوسیال دموکراسی اتریش به جای دستگیری و مجازات عاملان اصلی این گونه اقدامات به دنبال اثبات تئوری خود عنوان کردند که خارجیها خود علیه هم اقدام می کنند و حتی در شهر کاپنبرگ در استان استایرمارک که اکنون حزب حایدر از اکثریت آرا، در آن برخوردار است پس از اقدام به آتش سوزی در یک مرکز پناهندگی از طرف نازیهای جوان منطقه، پلیس دولتی اقدام به دستگیری یک پناهجوی ایرانی که در ارتباط با گروههای ضد نازی و ضد فاشیسم و دیگر نیروهای مترقی اتریش بود نمود که به واسطه هوشیاری اپوزیسیون چپ غیر دولتی اتریش توطئه سریعاً افشاء و در مطبوعات انعکاس وسیعی پیدا کرد.

دولت سوسیال دموکراتهای اتریش از آنجا که از طرف اتحادیه اروپا به سمت دروازه بان قلعه متحده اروپا برگزیده شده از یک طرف زندانهای خود را مملو از پناهجویان و فراریان سیاسی می کند و اکثر آنان را با وحشیانه ترین روشهای غیر انسانی مورد ضرب و شتم و حتی در یک مورد به قتل می رساند. در این زمینه می توان از قتل (مارکوس اومافوما) توسط پلیس دولتی نام برد. او پناهجویی از کشور آفریقایی نیجریه بود که در حین دیپورت به کشور بلغارستان پس از آن که ناجوانمردانه از طرف پلیسهای همراهش مورد ضرب و شتم شدید قرار می گیرد بر اثر خفگی ناشی از بستن

تمامی بدنش به وسیله نوار چسب (منجمله دهان و بینی) جان می سپارد.

از طرف دیگر این گونه حرکتهای ضد انسانی تنها در محدوده خارجیها نمانده و اقلیتهای قومی اتریش را نیز شامل می گردد که در این زمینه می توان به قتل ۴ تن از رومیهای (روماها) اتریشی به وسیله بمب پاکتی توسط نئونازیها و همفکران آنها اشاره نمود که موجی از تنفر را در جامعه چپ علیه این جنایتکاران وحشی برانگیخت. لازم به یادآوری است که در جریان انفجار بمبهای نامه ای چندین نفر منجمله شهردار وین نیز زخمی گردیدند و برای مدتها پلیس قادر به شناسایی عامل یا عاملان این سری نامه های بمبی نگردیده و عاقبت بر حسب اتفاق موفق به دستگیری (فوکس) طراح اصلی این بمب گزاریها گردیدند. او از افراد وابسته به (ارتش آزادیبخش بایرن) و یک نازی معترض می باشد و دو دست خود را نیز هنگام دستگیری بر اثر انفجار بمب همراه خود از دست داد. هیچ کس به جز خود این سوسیال دموکراتهای حاکم و متحدانشان از تعداد واقعی قربانیان راسیسم دولتی اطلاعی ندارد. آمارهای مبنی بر این که چه تعداد زندانی در زندانهای ویژه اخراجیها وجود دارد منتشر نگردیده و خارجیانی که در این زندانها به سر می برند در بدترین شرایط بدون این که از نوع جرم خود اطلاع داشته باشند می بایستی که روزها و حتی ماهها را در سلولهای کثیف و بدون امکانات بهداشتی بگذرانند و از حقوق قانونی مربوط به زندانیان نیز بی بهره اند.

این تنها شرح کوتاهی بود از عملکرد دولتمردان امپریالیسم اتریش و راست گرایان آن در قبال پناهندگان و گروههای قومی ساکن در این سرزمین. بحث و در ارتباط با کارگران مهاجر وضع به گونه ای دیگر است. اول آن دسته از کارگرانی که به واسطه وضعیت نا به هنجار اقتصادی و فقر موفق به دریافت مجوزهای لازم برای کار و اقامت در اتریش نمی گردند و بالاخص در تلاش برای یافتن و برپا کردن زندگی نوین برای خود و خانواده خویش به طریق به اصطلاح غیر قانونی (عبور از مرزهای سبز) قصد ورود به اتریش را دارند که به واسطه کارگزاری دوربینهای حرارتی در مرزهای شرقی همه شب تعداد زیادی از ایشان دستگیر و پس از گذراندن مراحل قضایی به پشت مرزها پس فرستاده می شوند. حساسیت این امر برای دولتمردان سوسیال دموکرات و حزب مردمیها آنقدر بالاست که آنها حتی حاضر به به استفاده از یکی از این دوربینها برای نجات جان اتریشیایی که در زیر بهمین مانده بودند نگردیدند و این نگون بختان همگی جان سپردند. دوم کارگران مهندسی هستند که بر اساس جدول تنظیمی سالیانه که نسبت به نیاز بازار کار و به طور محدود از طریق انعقاد قراردادهای فیما بین، مثلاً میان دولت اتریش و دولتهای ترکیه، یوگسلاوی، هند و یا مصر به این شرایط که در تضاد با قوانین اقامت، حقوقی و کار خارجیها نباشند اجازه دارند که در یک مدت مشخص زمانی در این کشور اقامت و کار نمایند. بر طبق قوانین جاری خانواده این افراد نیز اجازه دارند که تحت شرایط ویژه که قانون تعریف می کند در اتریش ساکن و همراه خانواده خود باشند. مراکز تولیدی و خدماتی اتریش مملو از این قبیل کارگرانی است که مشقت بارترین مسئولیتهای شغلی را به عهده دارند و بدون حضور این نیروی انسانی خارجی که با کمترین مزد بالاترین ضریب تولیدی و خدماتی را دارند چرخ سرمایه این کشور حتی ساعتی نمی تواند به حیات خود ادامه دهد. اما اینان در درون همین جامعه بی که به واسطه نیروی تولیدی همین

در گوشه و کنار جهان —

تظاهرات ضد راسیستی در اتریش



تظاهرات وسیعی از طرف تعدادی از احزاب سیاسی و جریان‌های اجتماعی با شعار برگ بر راسیسم در ۱۲ نوامبر در وین، پایتخت اتریش برگزار شد. این تظاهرات ۷۰ هزار نفر شرکت داشتند. که در آن سازمان‌های مترقی و چپ نقش فعالی ایفا کردند. حزب سوسیال‌دموکرات اتریش در صدد بود تا این تظاهرات را کنترل کند و ابتکار عمل را در دست گیرد. وی بیروهای مترقی و حزب اتریش با شرکت در این تظاهرات به آن سمت و سوی رادیکال دارند.

پس از پیروزی حزب راست افراطی به رهبری یورگ هایدنر و شکست سوسیال‌دموکراسی اتریش نیروهای چپ و ترقیخواه به خطر رشد راسیسم و نژادپرستی در اتریش هشدار داد و ضمن طرح شعارهای ضد راسیستی و ضد فاشیستی اعلام کرده اند که حرکت آنها فقط در مقابل حزب یورگ هایدنر نیست بلکه علیه سیاستهای راسیستی سوسیال‌دموکراتهای حاکم نیز می باشد. تظاهرکنندگان شعار می دادند: چه کسی به ما خیانت کرد؟ سوسیال‌دموکراتها!

در این تظاهرات خانم بریتر اقدام از طرف حزب سوسیال‌دموکراتها سخنرانی کرد که سخنان او به وسیله گوجه فرنگی و تخم مرغ مورد استقبال قرار گرفت. از طرف حزب لیبرال اتریش خانم هایدنر و نماینده ای از طرف حزب کمونیست سخنرانی نمودند که سخنان آنان مورد استقبال قرار گرفت. آقای ناصر علیزاده از شورای دفاع از مبارزات خلقهای ایران نیز در این تظاهرات سخنرانی نمود که مورد استقبال قرار گرفت.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در کنار نیروهای چپ اتریشی در این تظاهرات شرکت و ضمن اعلام همبستگی با مبارزه ضد فاشیستی نیروهای ترقیخواه اتریش به بخش اعلامیه و منشور سازمان پرداختند که مورد استقبال شرکت کنندگان در تظاهرات و رسانه های جمعی که از این تظاهرات فیلم و گزارش بخش می کردند قرار گرفت.

گزارش از: شهپر و مهرا

تورر یک روزنامه نگار در ترکیه

احمد تانر کیشالی نویسنده و روزنامه نگار لائیک ترکیه در یک حادثه تروریستی به قتل رسید. خبرنگار پیمبا روزهای ۵ و ۶ آبان گزارش نمودند که پلیس ترکیه سه نفر از مأموران دولتی ایران را که بعد از این حادثه قصد خروج از ترکیه را داشتند بازداشت کرد که مورد اعتراض مقامات حکومت ایران قرار گرفت. همچنین مأموران امنیتی ترکیه دو تن از مسئولان روزنامه اسلام گرای ایترا را به عنوان مظنون بازداشت کردند. این در حالی است که حداکثر ۴۱ تن از اعضای سازمان اسلامی ترکیه در دادگاه امنیتی استانبول در جریان است. دادستان برای سه نفر از این افراد به اتهام شرکت در

تورر چتن امچ سردبیر روزنامه حریت. توران دورسون نویسنده روزنامه جمهورییت درخواست اعدام کرده است.

راه پیمایی برای صلح

به گزارش خبرگزاری پیمبا روز ۹ آبان یک میلیون نفر از مردم کلمبیا در شهر مدلین با حمل پرچم ملی این کشور در یک راهپیمایی شرکت کرده و از مسئولان دولتی و چریکهای مخالف خواستند تا مذاکرات صلح را از سر بگیرند. کلمبیا بیش از ۳۵ سال است که درگیر جنگهای چریکی است و می توان آن را طولانی ترین جنگ چریکی در یک کشور دانست.

خواست لغو تحریم کوبا

مجمع عمومی سازمان ملل. روز ۱۹ آبان با تصویب قطعنامه ای برای هشتمین سال متوالی، خواستار لغو تحریمهای آمریکا علیه کوبا شد. به گزارش رویتر این قطعنامه که از سوی کوبا به اجلاس جاری مجمع عمومی ارائه شد با ۱۵۵ رأی مثبت، دو رأی منفی (آمریکا و اسرائیل) و ۸ رأی ممتنع به تصویب رسید. ریکاردو آلارکو رئیس مجلس ملی کوبا هنگام معرفی این قطعنامه گفت: کشور متبوعش به خاطر خسارتی که از ناحیه تحریمهای آمریکا متحمل شده است، ادعای یک صد میلیارد غرامت از آمریکا می کند.

کارکنان بیمه هند اعتصاب کردند

خبرگزاری فرانسه روز ۸ آبان گزارش می دهد که: تصمیم دولت هند به واگذاری صنعت بیمه این کشور به بخش خصوصی داخلی و خارجی، بیش از دوپست هزار کارمند بیمه در سرتاسر هند را به اعتصاب کشاند. سوندارام دبیر کل اتحادیه کارکنان بیمه هند گفت: بیش از دوپست هزار کارمند و کارگر بیمه در سرتاسر هند در اعتراض به تصمیم دولت برای خصوصی سازی صنعت بیمه، روز جمعه ۵ نوامبر به اعتصاب یک روزه دست زدند. احزاب چپ کشور نیز به این لایحه به شدت حمله کرده و آن را مفت فروختن شرکت بیمه به خارجیها دانستند. در لایحه مذکور به شرکتهای خارجی اجازه داده شده است تا ۲۶ درصد سهام شرکت را به خود اختصاص دهند و ۲۷ درصد بقیه اختصاص به شرکتهای خصوصی هندی خواهد داشت. این سهم شرکتهای داخلی باید تا ده سال آینده به ۲۶ درصد تقلیل یابد.

تحویل زمینهای جدید به دولت فلسطین

بخش بین المللی بی بی سی اعلام کرد: اسرائیل موافقت کرد که ۵ درصد دیگر از اراضی اشغال فلسطین عقب نشینی کند. این عقب نشینی بخشی از توافق نامه موقت بین اسرائیل و فلسطینیهاست که در سپتامبر گذشته امضا شد. سهشنبه شب ۹ نوامبر سربازان اسرائیلی یک شهرک سازمانی یهودیان را در نزدیکی شهر الخلیل واقع در کرانه غربی برجیدند. صدها تن از ساکنان این شهرک که در مقابل برجیده شدن خانه هایشان مقاومت می کردند، دست به تظاهرات اعتراض آمیز زدند. در ساعات اولیه صبح ۱۰ نوامبر سربازان اسرائیلی برجیدن شهرک مائون را آغاز کردند.

سازمان ملل خواستار لغو تحریمها

علیه کوبا شد

مجمع عمومی سازمان ملل. روز ۱۹ آبان با تصویب قطعنامه ای برای هشتمین سال متوالی، خواستار لغو تحریمهای آمریکا علیه کوبا شد. این قطعنامه که از سوی کوبا به اجلاس جاری مجمع عمومی ارائه شد با ۱۵۵ رأی مثبت، دو رأی منفی آمریکا و اسرائیل و ۸ رأی ممتنع به تصویب رسید. به گزارش خبرگزاری فرانسه ریکاردو آلارکو رئیس مجلس ملی کوبا هنگام معرفی این قطعنامه گفت: کشور متبوعش به خاطر خسارتی که از ناحیه تحریمهای آمریکا متحمل شده است، ادعای یک صد میلیارد غرامت از آمریکا می کند.

انتخابات اتریش ...

بقیه از صفحه ۱۳

انسانها به سطح بالایی از رفاه اجتماعی دست یافته. همواره به عنوان انسانهای درجه دو نامیده می شوند. خانه هایی تنگ و تاریک و گرانی را که خارجیان جهت سکونت اجاره می کنند اکثرا فاقد شرایط یک زندگی استاندارد است. فشار مضاعف سیستم سرمایه داری به این گروه کوچک و مولد در اجتماع حتی در عرصه حقوق اولیه کودکان نیز به چشم می خورد.

حتی در عرصه تحصیل هم برای کودکان این زحمتکشان مانع ترقی می کنند و با برخورداری نژادپرستانه به حضور کودکان خارجی در مدارس اتریشی اعتراض می نمایند. در حالی که طبق تحقیق شورای مدارس شهر وین کودکان خارجی تنها بخش کوچکی از جامعه محصلین اتریش را تشکیل می دهند ولی از ضریب هوشی بالاتری نسبت به کودکان هم سن و سال اتریشی شان برخوردارند و در فراگیری زبان آلمانی نیز بسیار مستعد هستند. نشریه پروپیل در شماره ۴۰ خود در حاشیه تحلیل‌های پس از انتخابات در تایید این مطلب می نویسد.

کودکانی که بدون آشنایی قبلی با یک کلمه آلمانی مدرسه را شروع می کنند در سال اول به ۸۰ درصد زبان آلمانی تسلط پیدا می کنند. پس از سه سال هم لهجه محلی خود را از دست می دهند و گذشته از اینها کودکان خارجی زرتگر و هوشیارتر از اتریشیها هستند.

پس می بینیم که اگر امروز حایدر رجزخوانی می کند و خود و یاران فاشیستش به خارجیان جنگ و دندان نشان می دهند و جان تازه بی به خود گرفته اند و از یک طرف مخالف حضور کارگران خارجی و از طرف دیگر برگزیدن لقب حزب کارگران اتریش، برای خود می پردازند تنها نمره خوش خدمتی خود همین یاران سوسیال‌دموکراتها و دیگر هیپالگیهای سیستم سرمایه داری اتریش بوده و هست. هم اینانی که به نام دفاع از حقوق انسانها و زحمتکشان با شعارهای عوام فریبانه در واقع خود بدعت گذار این گونه حرکتها بوده و هستند چرا که اینان به یک سیستم تعلق دارند و یک تفکر (تولید بیشتر در ازا، هزینه کمتر) که مزد کمتر را نیز در بر می گیرند، و تقاضا در خدمت سیستم سرمایه داری عمل کرده و می کنند.

حایدر شاید به نظر خود این بار توانست که از طریق جلب عوام که به واسطه فقر پنهان و مشکلات اقتصادی و بیکاری به شعارهای دلغریش در مورد بهبود اوضاع اقتصادی و ... او را باور داشته اند مطرح گردیده باشد اما شادی برای حایدر پایدار نخواهد بود. او به مانند حباب صابونی می ماند که به واسطه سیاستهای سرکوبگرانه و استثمارگرانه سرمایه داران بزرگ مطرح گردیده و هر لحظه می تواند با یورش دلبران نیروهای ضد فاشیسم و ضد امپریالیسم در هم نوردیده شود. از این روی ماهیت ارتجاعی اش را هر چه بیشتر باید افشا کرد و با روشن تر نمودن افکار نیروهای مولد اجتماعی اعم از اتریشی و غیر اتریشی، آنها را متحد نموده و جلوی اهداف ضد بشری او را به مانند سفلس هیتلر بگیرند. فاشیستها نابودند و آنها را از این نابودی گریزی در پیش نیست! حایدر و حزیش به مانند دیگر زائده های جامعه سرمایه داری هیچگاه نمی توانند حزب کارگران اتریش باشند.

وین - پاییز ۹۹

انتشارات نبرد خلق و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

- ۱- تداوم گفتگوی علی ناظر با مهدی سامع
- ۲- جنبش پیشتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم (سخنرانی مهدی سامع در آمریکا و کانادا)
- ۳- تاریخ سی ساله سیاسی اثر بیژن جزنی
- ۴- چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود اثر بیژن جزنی
- ۵- ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء اثر امیر پرویز پویان
- ۶- سرنگونی رژیم و ضرورت «دولت موقت» از مهدی سامع
- دموکراسی شرط اساسی انتقال قدرت به مردم
- طرحهای شورای ملی مقاومت
- پیرامون تبعیض جنسی، مذهبی و ملی
- ۷- سنگر مقدم: لئنیسم از منصور امان
- ۸- بیانیه اعلام برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۹- منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۰- بحران در جنبش کمونیستی ایران، راه حل، برون رفت از آن و نقش ما
- چه کسی بر سر دزواهی قرار گرفته است - برای ثبت در تاریخ - از مهدی سامع
- ۱۱- مجموعه مقالات از منصور امان
- ۱۲- زنان ایران در مبارزه برای برابری جنسی از زینت میرهاشمی
- ۱۳- سوسیالیسم و سندیکاها
- سوسیالیسم از عهد مارکس به بعد و جنبش بین المللی سندیکاها
- نویسنده: ماکس آدلر، مترجم: کریم قسیم

پاسخ به نامه ها

دوستان و مشترکان زیر نشریه های شما برگشت خورده است آقایان تاجی، رویات، جهان زمان، کتابخانه برای دانشجویان ایرانی در لندن.

- حق اشتراک به همراه کمک مالی دوستان زیر دریافت شد:

آمریکا: کیومرث ع. جواد، س. نادر، ک و رشادت، اتریش: مهران، ر. مجید محمد، ر. کانادا: مهدی، ص

سوئد اسماعیل ا. هلند: اکبر، ت. مینا، ا. الهام، ا. محمد، ا. هانی، رضا، س. حسینی، اصغر، ج.

آلمان: امیر، ز. گاباری، مهدی، قنبری، نسری، ن. احمد، فرید، ح.

آقای حبیبی از هلند نامه شما دریافت شد و نشریه برای شما ارسال خواهد شد.

کمک مالی ۲۰۰ شلینگ، به یاد رفیق اسکندر ۵۰ مارک، مرادخانی ۵۰ گلدن، عبدالله پور ۹۲۰ پیوتسا، حمید زر از تهران، ۷۰۰ دلار جمیله فریدونی از تهران ۲۰۰ شلینگ، محمد مجدی

آقای ایروانی کتاب تداوم برای شما ارسال شد - خانم شهلا جندقیان از فرانسه شعر شما در رابطه با جنبش دانشجویی دریافت شد. در شماره های آینده به چاپ خواهد رسید.

- خانم زهره ع. از ایران، گزارش شما در رابطه با جنبش دانشجویی دریافت شد. از شما برای ارسال این اطلاعات سپاسگزاریم.

- آقای مرادخانی، شعر شما دریافت شد. در شماره های آینده به چاپ خواهد رسید.

- آقای شهاب از اتریش، مقاله های شما رسید. یکی از آنها در همین شماره چاپ می شود و بقیه در فرصتهای مناسب به چاپ خواهد رسید. سپاسگزاریم.

از میان نامه ها

در میان فرشها

آدم وقتی به این فرشها نگاه می کند یاد دستهای پینه بسته مادرانی می افتد که این فرشها را برای رفاه بچه هاشون بافته اند تا با پول ناچیزش امورات زندگی را بگذرانند. یاد چشمنهای زیبایی که برای بافتن این فرشها دیدشان کم شده. یاد دخترهای جوانی که در آرزوی عشقی نه چندان دور گره ها را شمرده اند تا روزی که پایان فرش را ببینند و با دستمزد بسیار کم و ناچیز آن کلبه ای فقیرانه برای عشقی جاودانه فراهم کنند. از سوی دیگر تجار فرش را می بینی که چطور با دسترنج دیگران حسابهای بانکی شان را پر کرده و بسر تعداد تجارتخانه های خود می افزایند و هر روز به فکر سود، استفاده و استثمار کارگران هستند. آنها دستپايشان را توی جیبشان کرده و میان فرشهایی راه می روند و به فرشهایی افتخار می کنند که هر کدام دسترنج دختران زیبا و مادران دلسوزیست که در کوره نهانهای ایران جوانیشان را روی آن گذاشته اند. آیا این افتخار و رفاه مستحق آن هنرمندان نیست؟! بیاییم در جهت گسستن زنجیره های استثمار دست در دست هم نهمیم و به سوی آزادی ستمدیدگان گام برداریم.

رضا مرادخانی

NABARD - E - KHALGH

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Published by:

NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 174 22. Nov. 1999

NABARD
B.P. 20
91350 Grigny
Cedex FRANCE

NABARD
Postbus 593
6700 AN Wageningen
HOLLAND

NABARD
P.O. Box 10400
London N7 7HX
ENGLAND

NABARD
Postfach 102001
50466 Köln
GERMANY

NABARD
P.O. Box 3801
Chantilly, VA
20151 U.S.A

NABARD
Casella Postale 307
65100 Pescara
ITALIA

E.Meil:

nabard@club-internet.fr

nabard@hotmail.com

صفحه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در روی شبکه اینترنت

[http:// www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبرد خلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX FRANCE

فرم اشتراک نبرد خلق

Name :

Address :

بهای اشتراک سالانه نبرد خلق

۷۵ فرانک فرانسه

۱۸ دلار آمریکا

۷ فرانک فرانسه

اروپا

آمریکا و کانادا

تک شماره

حساب بانکی سازمان

SOCIETE GENERALE
BOULOGNE - S - SEIN
FRANCE

03760

00050097851

Mme. Talat R.T

نام بانک:

آدرس بانک:

کد گیشه:

شماره حساب:

نام صاحب حساب:

ارس

در شبکه جهانی اینترنت

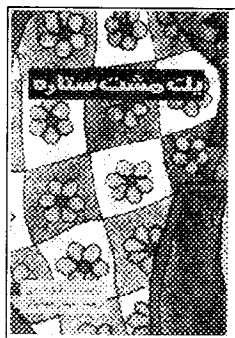
<http://members.tripod.com/~ARAZ/index-1.html>

نبرد خلق را مطالعه کنید.

از اخبار ورزشی روز مطلع شوید.

گفتگو و تبادل نظر زنده با دیگران

یک مشت ستاره



کتاب یک مشت ستاره، اثر رفیق شامی (نویسنده سوری)، که توسط زنده یاد مهناز جهانیانی چند سال پیش ترجمه شده بود، اکنون به وسیله انتشارات ایران کتاب منتشر شده است. این کتاب ۲۲۵ صفحه و قیمت آن معادل ۱۰ دلار است.

مارکس. برجسته ترین اندیشمند هزاره دوم

آوای شیپورها

— اسماعیل وفا یغمایی

رفقای فدایی: همایون پریزاده - قربانی حسنی - رحمت طالب نژاد- اسدالله بفر دوست - پرویز نصیر مسلم - ابوالقاسم نیچکه همدانی - علیرضا بهارپور - علی عبدالعلی زاده - محمدرضا شهناز - غلامرضا کاروبیان چاپچی - حمیدرضا سعادت - مختار قلعه ویسی - احمد اقدسی - بهروز بیروزیان - حسین تدریسی - فرهود روانی - محسن مدیر شانه چی - فریدون شافعی - زهرا آقایی قلبکی - علیرضا شهاب رضوی - ماهرخ فیال - مینا رفیعی - محمدعلی پایار - سعید حسینی - جلال دهقان - رحیم تشکری - حسن زکی زاده - وحید پیروزیان - به دست درخیمان رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

به یاد رفیق وحید پیروزیان

رفیق وحید در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده فرهنگی تبریز به دنیا آمد. وی معلم روستاهای آذربایجان بود. رفیق در انتشار نشریه اخبار آذربایجان بعد از انشعاب کمیته مرکزی - نقش به سزایی داشت و در مرداد ۱۳۶۰ توسط مزدوران پاسدار دستگیری می شود با اتواع شکنجه های روحی و جسمی نمی توانست مقاومت او را بشکنند. شبی در مرداد ۱۳۶۰ رفیق را میبندند اعدامش بکنند و خون زیادی از او می کشند ولی از میدان تیر او را برمی گردانند. خون زیادی از او کشیده بودند رنگش زرد شده بود ولی اصلا چیزی نمی گفت. سرانجام رفیق را در آذرماه ۱۳۶۰ به جوخه اعدام سپردند. یادش گرامی باد حسن قالب باف

انفجار معدن در چین

بر اثر انفجار گاز در عمق ۵۰۰ متری یکی از معادن زغال سنگ در استان (حس نان) چین در روز ۶ آبان دست کم ۱۱ معدنچی کشته شدند. به گزارش خبرگزاریها علت انفجار عدم شرایط ایمنی کار و به کارگیری فنون غیر استاندارد ذکر شده است. در چین ۹۳ معدن زغال سنگ دولتی بزرگ. ۲۵۰۰ معدن زغال دولتی محلی و ۷۵ هزار معدن زغال روستایی وجود دارد و ۷۵ درصد از انرژی مورد نیاز این کشور را تأمین می کنند.

درگیری کارگران مهاجر در کویت

درگیری کارگران مهاجر مصری و بنگلادشی در روز ۹ آبان در منطقه حیطان در جنوب کویت خسارات زیادی به بار آورد. به گزارش خبرگزاری رژیم (ایران) ایمن درگیری که از یک فروشگاه آغاز شد و با دستگیری دو مصری به تظاهرات علیه پلیس کویت منجر شد که از شنبه شب ۳۰ اکتبر آغاز و تا روز یکشنبه ادامه پیدا کرد. تظاهرکنندگان با به آتش کشیدن چندین خودروی پلیس و شخصی با پلیس درگیر شدند که منجر به زخمی شدن بیش از صد نفر و دستگیری تعدادی از آنها شد. ایران ۹ آبان ۷۸

تظاهرات معدنچیان در برابر کاخ سفید

روز ۱۹ آبان معدنچیان یک معدن زغال سنگ در ویرجینیای جنوبی در آمریکا با برگزاری تظاهراتی در برابر کاخ سفید در واشنگتن خواستار تداوم کار خود شدند. به گزارش خبرگزاریها معدنچیان در محوطه بیرونی کاخ سفید در حالی که فریاد می زدند «چراغهای اعتراض کردند، برخی از مقامات آمریکایی معتقدند وجود معدن زغال سنگ در کوههای ویرجینیای جنوبی باعث شده زباله های معدن وارد چشمه ها شود و محیط زیست را آلوده کند. معدنچیان اظهار داشتند، طرح پاکسازی محیط زیست موقعیت کاری آنها را به خطر انداخته است.

شیپورها، از دورها
بر بام میهن می نوازند
با شورها، شیپورها
تاریک و روشن می نوازند
آهنگ رزم آخرین را
مبعاد سرخ آتشین را

شیپورها، از دورها
بر بام میهن می نوازند
باشورها، شیپورها
تاریک و روشن می نوازند
روشن برای قهرمانان
تاریک بهر سست جانان

محبوب من، زیبایی من
دور از من ای رویای من
دیروز من، امروز من، فردای من
تنگ شراب ارغوانی را مهیا کن
آن ساغر سبز قدیمی را
که نوشیدیم با هم می از آن در آخرین دیدار
پرخیز و پیدان کن
آن خانه ویرانه را
چون خویشتن زیبا کن
وز بهر ماه روشن ایران، پیمانی نامه ای بفرست
تا آماده باشد

محبوب من، زیبایی من
دور از من ای رویای من
دیروز من، امروز من، فردای من
زیرا که من، حتی اگر
در آن نبرد آخرین
با تیرهای آتشین افسرده باشم
زیرا اگر حتی نباشم، مرده باشم
این را بدان! در جشن شادی، روز آزادی
من باز خواهم گشت،
من باز خواهم گشت
تا با تمام مردمان شهر
در کوچه های مست و دیوانه
با نغمه های شاد و مستانه
برقصم آنچنان در کوچه ها
که با میهای خانه ها یکسر پلرزند
وز ساغری کن نور ماه و باده لبریز است
جامی بنوشم زیر نور ماه
آه.....
شیپورها، از دورها
بر بام میهن می نوازند
با شورها، شیپورها
تاریک و روشن می نوازند
آهنگ رزم آخرین را.....

درگذشت استاد حسین ملک

در نیمه دوم آبان امسال حسین ملک استاد موسیقی ایران در سن ۷۲ سالگی درگذشت. زنده یاد حسین ملک در سال ۱۳۰۴ شمسی در تهران متولد شد و از پنج سالگی با موسیقی آشنا شد. از میان سازهای سه تار، سنتور، ویالون، سنتور را انتخاب کرد و در کلاس استاد ابوالحسن صبا آن را آموخت. استاد حسین ملک در دوران زندگی خود آثار زیبا و ماندگاری را آفریده است. نبردخلق درگذشت استاد حسین ملک را به خانواده، دوستان و جامعه فرهنگی ایران تسلیت می گوید



در سپتامبر سال جاری، بنگاه سخن پراکنی بریتانیا (BBC) به منظور یافتن برترین اندیشمند هزاره دوم دست به یک نظرسنجی عمومی بر روی شبکه اینترنت زد. هزاران نفر از گوشه و کنار جهان در این نظرسنجی شرکت جستند. آن چه که در زیر می آید اسامی ده نفر اول این نظرسنجی است:

۱- کارل مارکس. ۲- آلبرت اینشتاین. ۳- ایزاک نیوتن. ۴- چارلز داروین. ۵- سنت توماس اکویناس. ۶- استفان هاوکینگ. ۷- امانوئل کانت. ۸- رنه دکارت. ۹- جیمز کلارک ماکسول. ۱۰- فریدریک نیچه

اخبار کارگری —

خمار اقتصاد ۱۹ مهر بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران بافندگی و ۳۰۰ نفر از کارگران ریسندگی سمنان طی چند روز گذشته با تجمع در مقابل کارخانه و نیز مراجعه به فرمانداری سمنان خواهان پرداخت حقوق خود شدند. یکی از کارگران گفته است، اکثر کارگران بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار ریال طلبکار هستند و مسئولان سیاسی استانداری گفته اند که به دلیل خصوصی بودن کارخانه، کارگران برای حقوق خود باید به دادگستری مراجعه کنند. از سوی دیگر، گفته می شود خانه کارگر استان سمنان خواستار توضیح استانداری در مورد مناخله در این امر و دلیل اخراج ۱۸۰ کارگر کارخانه ریسندگی شده است.

همشهری ۱۲ آبان: حقوق سه ماهه مرداد، شهریور و مهر سال جاری کارکنان شرکت شعله خاور وابسته به سازمان اقتصادی کوثر تا این تاریخ (۵ آبان) پرداخت نشده است و کارکنان این شرکت درمانده شده اند که به زن و فرزند خود برای تأمین معیشت آنها، به صاحبخانه برای پرداخت اجاره بها و به سازمانهای برق، آب و گاز چه جوابی بدهند.

روزنامه اخبار اقتصاد ۶ آبان: کارگران شرکت فرآورده های ساختمانی فراسا که ۸۷ درصد آن متعلق بانک صنعت و معدن است و حدود ۷۰۰ کارگر دارد برای اعتراض به تعطیل کارخانه ۷ ماه تعویق حقوق و مزایای خود هفته جاری دست به یک تجمع اعتراضی در مصلای ساوجبلاغ زدند.

روزنامه اخبار اقتصاد ۴ آبان: شنیدیم، جمعی از کارگران شهرداری ایلام برای دومین بار طی یک ماه اخیر، با اجتماع در محل تقبله این شهرداری خواستار دریافت حقوق و دستمزد خود شدند. این کارگران که تعداد آنها حدود ۷۰۰ نفر برآورد، شده نسبت به عدم دریافت دستمزد ماههای شهریور، مهر و نیز مطالبات قبلی خود اعتراض کردند. خسر حرکت قبلی کارگران شهرداری ایلام در شماره قبل نبرد خلق چاپ شد.